

حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی

دکتر لیلا سادات اسدی

تهران

۱۳۹۱

سرشناسه: اسدی، لیلاسادات، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی / لیلاسادات اسدی.
 مشخصات نشر: تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه
 علوم انسانی؛ دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواران، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: دوازده، ۳۱۵ ص.

فروست: «سمت»: ۱۶۳۶. حقوق: ۱۰۱.

بها: ۶۰۰۰۰ ریال.

ISBN 978-964-530-819-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

Leilasadat Asadi. Victim's Rights in International Criminal
 Procedures.

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی:

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۹۷-۳۰۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نما.

موضوع: قربانیان جنایت — وضع حقوقی و قوانین

موضوع: قربانیان جنایت — وضع حقوقی و قوانین — ایران

موضوع: قربانیان جنایت — حمایت — قوانین و مقررات

موضوع: قربانیان جنایت — حمایت — قوانین و مقررات — ایران

موضوع: حقوق جزای بین‌الملل

شناسه افزوده: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم
 انسانی.

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)، پردیس خواران

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ح ۷ ۵ الف ۵۵۷۱

رده‌بندی دیوبی: ۳۶۲/۸۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۴۹۵۸۹



حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی

دکتر لیلاسادات اسدی

سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم

انسانی و دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواران

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱

تعداد: ۵۰۰

حروفچینی، لیتوگرافی، چاپ و صحافی: «سمت»

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال. در این نوبت چاپ قیمت مذکور ثابت است و فروشندگان و عوامل

توزیع مجاز به تغییر آن نیستند.

هر شخص حقیقی یا حقوقی که تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشران یا مؤلف، نشر یا
 پخش یا عرضه یا تکثیر یا تجدید چاپ نماید، مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

تهران، بزرگراه جلال آل احمد، غرب پل یادگار امام (ره)، روبه‌روی پمپ گاز، کد پستی: ۱۶۶۳۶

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

تلفن: ۴۴۲۴۶۲۵۰، نمابر: ۴۴۲۴۸۷۷۷.

نشانی: تهران، میدان صنعت، بولوار شهید فرحزادی، خیابان شهید طاهرخانی، دانشگاه امام صادق (ع) پردیس

www.isuw.ac.ir

خواران، ص. پ ۱۶۶۵۵۱۱۱، تلفن: ۲۲۰۹۴۹۰۱-۴، نمابر: ۲۲۰۶۵۴۳۷.

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاهها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاهها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، سازان طالع و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه امام صادق (ع) پردیس خواهران سومین کار مشترک خود را با انتشار کتاب حقوق برآمده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته حقوق به عنوان منبع کمکی درس «حقوق جزای بین‌الملل» در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد به ارزش ۲ واحد درسی تدوین شده است. امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند.

فهرست مطالب

عنوان

پیش‌گفتار

دیاچه

۱. حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی
۲. جایگاه بزه‌دیده در مکاتب جزایی
۳. بزه‌دیده و نظریه‌های جرم‌شناختی معاصر
۴. تعریف بزه‌دیده
۵. حقوق شناخته‌شده برای بزه‌دیده
۶. حقوق کیفری بین‌المللی
۷. ضرورت حقوق کیفری بین‌المللی
۸. ویژگی‌های دادرسی کیفری بین‌المللی
۹. ضرورت بررسی موضوع
۱۰. ساختار و سازماندهی تحقیق

بخش نخست: حقوق بزه‌دیده در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت

فصل نخست: حقوق بزه‌دیده در دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو

۱. حقوق دولت‌ها به عنوان بزه‌دیده در دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو

۱-۱ حق دولت‌ها بر تعقیب و محاکمه جنایتکاران

۱-۲ حق بر دارا بودن ابتکار عمل در جریان دادرسی

۱-۲-۱ حق بر اعلام مجرمانه بودن سازمان متبوع مجرم

۱-۲-۲ حق بر رسیدگی غیابی

۱-۲-۳ حق بر وضع و تدوین مقررات دادرسی

۱-۲-۴ حق بر تعقیب

۱-۲-۵ آزادی در ارائه دلیل

۱-۲-۶ حق بر اشراف بر مذاکرات

۶۳	۱-۳ حق بر اتخاذ تصمیم و صدور حکم
۶۴	۱-۳-۱ قطعی بودن رأی
۶۴	۱-۳-۲ حق بر تعیین میزان مجازات
۶۴	۱-۴ حق بر اجرای مجازات
۶۵	۲. حقوق مردم و اشخاص خصوصی به عنوان بزه‌دیده
۶۶	۲-۱ وضعیت بزه‌دیده و شاهد در اسانامه دیوان‌های نورمبرگ و توکیو
۶۷	۲-۱-۱ وضعیت شهود
۶۷	نخست: حقوق دادگاه علیه شهود
۶۹	دوم: حمایت از شاهد
۷۰	۲-۱-۲ وضعیت بزه‌دیده
۷۱	نخست: حق اقامه دعوی
۷۲	دوم: حق حضور در دادگاه
۷۳	سوم: ترمیم خسارت‌های ناشی از جرم
۷۴	۲-۲ وضعیت بزه‌دیده و شاهد در رویه دیوان‌های نورمبرگ و توکیو
۸۰	فصل دوم: حقوق بزه‌دیده در دادگاه‌های کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا
۹۰	۱. حقوق بزه‌دیده در اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا
۹۳	۱-۱ حقوق بزه‌دیده در مرحله تعقیب و تحقیق
۹۳	۱-۱-۱ حق شکایت
۹۴	۱-۱-۲ حفاظت از بزه‌دیده و شاهد
۹۵	۱-۱-۳ برخورداری از خدمات مشاوره
۹۷	۱-۲ حقوق بزه‌دیده در مرحله محاکمه
۹۷	۱-۲-۱ حق حضور
۹۸	۱-۲-۲ حفاظت و تأمین امنیت
۱۰۰	۱-۲-۳ برخورداری از معاضدت‌ها
۱۰۱	۱-۲-۴ حق بر ادای گواهی
۱۰۶	۱-۲-۵ رعایت حال بزه‌دیده در احراز جرایم جنسی
۱۰۶	۱-۲-۶ توجه به بزه‌دیده در صدور رأی
۱۱۱	۱-۳ حقوق بزه‌دیده در مرحله اجرای حکم
۱۱۳	۲. حمایت از بزه‌دیده در رویه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا
۱۱۳	۲-۱ حمایت از بزه‌دیده و شاهد در آرای شعب بدوی
۱۱۳	۲-۱-۱ روش‌های حفاظت از بزه‌دیده

نخست: ادای گواهی از طریق تکنولوژی نوین

دوم: استفاده از نام مستعار

سوم: محرمانه نگه داشتن مکانبات شهود

چهارم: ادای گواهی در جرایم جنسی

۲-۱-۲ سایر حمایت‌ها از بزه‌دیده

نخست: حق شکایت

دوم: فراهم ساختن زمینه حضور در دادگاه

سوم: حق مصالحه

۲-۲ حمایت از بزه‌دیده در آرای شعبه تجدیدنظر

فصل سوم: حقوق بزه‌دیده در دادگاه ویژه سیرالئون

۱. حقوق بزه‌دیده در اسناد دادگاه ویژه سیرالئون

۱-۱ حقوق بزه‌دیده در اساسنامه دادگاه ویژه سیرالئون

۱-۱-۱ مصونیت‌ها

۱-۱-۲ تشکیلات حمایتی

۱-۱-۳ حمایت‌های خاص

۱-۲ حقوق بزه‌دیده در آیین دادرسی و ادله دادگاه ویژه سیرالئون

۱-۲-۱ تعریف قربانی جرم

۱-۲-۲ افزایش اختیارات و وظایف بخش قربانیان و شهود

نخست: تسری برنامه‌های حمایتی به کلیه شهود

دوم: تعیین معیار برای برنامه‌های حمایتی

سوم: ارتباط دادگاه و بخش قربانیان و شهود

چهارم: اطمینان از اجرای تدابیر حمایتی

پنجم: توجه به مهارت پرسنل در حمایت از بزه‌دیده

۱-۲-۳ افزایش حمایت‌ها

نخست: بازداشت موقت مظنون

دوم: تعیین مهلت برای افشای اطلاعات مربوط به بزه‌دیده و شاهد

سوم: اعطای حق درخواست اقدام‌های حمایتی به متهم

چهارم: پیشنهاد روش‌های حفاظتی به منظور ادای گواهی

پنجم: آگاهی شهود از افشای مفاد گواهی و هویت آن‌ها

ششم: تداوم حمایت‌ها

هفتم: افزایش مصادیق جرایم علیه عدالت قضایی

هشتم: توجه بیشتر به منافع بزه‌دیده و شاهد در تشکیل جلسه غیرعلنی

نهم: معافیت کودکان از اتیان سوگند

دهم: پذیرش گواهی کتبی

یازدهم: گواهی نسبت به جرایم جنسی

۲. حقوق بزه‌دیده در رویه دادگاه ویژه سیرالئون .

۲-۱ تسهیل در ادای گواهی

۲-۲ اقدام‌های حفاظتی

۲-۳ استفاده از روش‌های مصالحه

بخش دوم: حقوق بزه‌دیده در دیوان کیفری بین‌المللی

فصل نخست: حقوق بزه‌دیده در مرحله پیش از صدور حکم

۱. حقوق بزه‌دیده بلافاصله پس از وقوع جرم

۱-۱ اقدام پیشگیرانه از ادامه جنایت

۱-۲ ارائه خدمات مورد نیاز به بزه‌دیده

۱-۳ اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده

۱-۳-۱ اطلاع از وجود تشکیلات حمایتی

۱-۳-۲ اطلاع از حقوق خود

۱-۳-۳ اطلاع از تصمیمات مراجع مختلف

۱-۴ حق اقامه شکایت

۱-۵ شناسایی بزه‌دیدگان

۲. حقوق بزه‌دیده حین تعقیب و تحقیقات مقدماتی

۲-۱ نقش بزه‌دیده در شروع به تعقیب

۲-۲ نقش بزه‌دیده در تحقیق و جمع‌آوری ادله

۲-۳ حق بزه‌دیده بر حضور در فرایند تحقیق

۲-۴ حفاظت از اسرار بزه‌دیده

۲-۵ حفاظت از بزه‌دیدگان و شهود

۲-۶ اقدام تأمینی به منظور جبران خسارت بزه‌دیده

۳. حقوق بزه‌دیده در مرحله دادرسی

۳-۱ حق برخورداری از دادرسی عادلانه

۳-۱-۱ رسیدگی به دعوی در یک دادگاه صالح

۳-۱-۲ رسیدگی توسط قضات مستقل و بی‌طرف

۳-۱-۳ تساوی در برابر قانون

۳-۲ حضور و دخالت بزه‌دیده در دادرسی

۳-۳ امکان رسیدگی در غیاب متهم

۳-۴ حفاظت از بزه‌دیده و شاهد برای حضور در جلسه دادرسی

۳-۴-۱ حفاظت از جان بزه‌دیده و شاهد

۳-۴-۲ حفاظت از اطلاعات مربوط به بزه‌دیده و شاهد

۳-۴-۳ حضور بزه‌دیده در جلسه دادرسی

نکته: فراهم نمودن زمینه ادای گواهی

دوم: تساهل در پذیرش ادله

۳-۵ رعایت کرامت و ارزش انسانی بزه‌دیده

۳-۶ حق داشتن نماینده

۳-۷ ضمانت‌های اجرایی برای حفظ حقوق بزه‌دیده

۳-۷-۱ جرایم علیه اجرای عدالت قضایی

نخست: انواع جرایم و ارکان آنها

دوم: مجازات‌ها و نحوه رسیدگی

۳-۷-۲ سوءرفتار در برابر دیوان

فصل دوم: حقوق بزه‌دیده در مرحله صدور حکم و اجرای مجازات

۱. رعایت حقوق بزه‌دیده در مرحله صدور حکم

۱-۱ توجه به وضعیت بزه‌دیده در اثبات جرم

۱-۲ جبران خسارات بزه‌دیده

۱-۲-۱ صدور حکم به جبران خسارت

۱-۲-۲ ارزیابی خسارت

۱-۲-۳ مسئولین جبران خسارت

۱-۲-۴ جبران خسارت ناشی از اقدام‌های غیر صحیح در دیوان

۱-۳ نقش بزه‌دیده در تعیین مجازات

۱-۴ حق بزه‌دیده بر اعتراض به حکم

۱-۴-۱ تجدیدنظرخواهی

۱-۴-۲ اعاده دادرسی

۲. نقش بزه‌دیده در اجرای مجازات

۲-۱ اجرای مجازات حبس

۲-۱-۱ محل اجرای حبس

۲۷۵	۲-۱-۲ اتخاذ تصمیمات بعدی نسبت به اجرای حبس
۲۷۵	نخست: آزادی مشروط
۲۷۷	دوم: شمول مرور زمان
۲۷۷	۲-۲ اجرای محکومیت‌های مالی
۲۷۸	۲-۲-۱ اجرا از طریق دولت‌های عضو
۲۸۰	۲-۲-۲ پرداخت از محل صندوق امانی
۲۸۲	نتایج و پیشنهادها
۲۹۷	منابع
۲۹۷	الف) فارسی
۳۰۴	ب) انگلیسی
۳۰۸	ج) عربی
۳۰۹	نمایه موضوعی

تقدیم به:

ایشان گران سرزمینم

که این سطور را در سایه امنیت حاصل از خون آنان رقم زدم ...

www.ketab.ir

www.ketab.ir

پیش گفتار

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که در طول قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم تشکیل شد، مسئولیت حفظ نظم در جامعه بین‌المللی را برعهده دارند. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت برای مدت معین و انجام مأموریت خاص تشکیل شدند و شامل دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون می‌باشند. این دادگاه‌ها در رعایت حقوق بزه‌دیده و بزه‌دیدگان شاهد، تحولی را طی کرده‌اند به گونه‌ای که می‌توان گفت دو دیوان نظامی نورمبرگ و توکیو بدون توجه به بزه‌دیده، صرفاً دولت‌ها به ویژه دولت‌های فاتح در جنگ جهانی دوم عنوان مالک دعوی عمومی مدنظر قرار دادند، اما دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا تقریباً نیم قرن بعد از دو دادگاه اول تأسیس شدند، ضمن توجه به حقوق بزه‌دیده به ویژه بعد حفظ امنیت و رعایت کرامت انسانی او، جبران خسارت بزه‌دیده را از طریق استرداد اموال کشف شده از متهم و اموال مصادره شده، به بزه‌دیده میسر گردانیدند. متعاقباً دادگاه ویژه سیرالئون، تحولی نوین در رعایت حقوق بزه‌دیده محسوب می‌شود. قضات دادگاه با اصلاح آیین دادرسی و ادله دو دادگاه کیفری یوگسلاوی سابق و رواندا، برای رویه‌های منعقد شده در این دو دادگاه، به شناسایی حقوق جدیدی برای بزه‌دیده ه گماشتند، اما رویه قضایی این دو دادگاه نیز بیش از اسناد دادگاه‌های پیشین، به جبران خسارت ناشی از جرم توجه نکرد.

اسناد دیوان کیفری بین‌المللی که در سال ۲۰۰۲ به عنوان یک مرجع دائمی رسیدگی به جنایات بین‌المللی تشکیل شد، به این نقیصه موجود در اسناد دادگاه‌های موقت توجه نمود و جبران خسارت بزه‌دیده را از طریق صدور قرار تأمین خواسته، صدور حکم جبران خسارت و امکان اعتراض بزه‌دیده به حکم در قسمت ترمیم خسارت‌های ناشی از جرم، میسر ساخت. اسناد این دادگاه همچنین به جنبه‌های دیگر حمایت از بزه‌دیده،

رازداری نسبت به هویت او به ویژه در جرایم جنسی، و حفظ امنیت بزه‌دیده توجه نموده و ارائه خدمات مورد نیاز به بزه‌دیده را در جهت رفع بحران ناشی از جرم، از وظایف بخش قربانیان و شهود قرار داده است.

این کتاب که برای اولین بار در ایران به تبیین حقوق در نظر گرفته شده برای بزه‌دیده در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و نقد و تحلیل آن با عنایت به پیشرفت‌های علم بزه‌دیده‌شناسی حمایتی می‌پردازد، رویکردی کاربردی به آرای دادگاه‌های موردی در این زمینه دارد. علاوه بر جدید بودن موضوع کتاب، بررسی رویه قضایی دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا و نیز دادگاه ویژه سیرالئون و تصمیمات اتخاذ شده در این سه دادگاه، نوآوری است که در این کتاب به چشم می‌خورد.

لیلا سادات اسدی

مهر ۱۳۹۱

دیباچه

تاریخ تحولات کیفر تاکنون سه دوره مشخص را در ارتباط با ذی حق و صاحب اختیار تعقیب و افاقه کیفر، طی کرده است که در کلیه جوامع تقریباً به یک شکل دیده می شود. در دوره انتقام جویی که به نظام پدرسالاری نیز مشهور است، نقش انتقام در سزادهی وضو می یابد. انسان به حکم طبیعت و غریزه خود، در صدد انتقام برمی آید و بدی را با بدی جبران می کند. این دفاع غریزی یعنی انتقام را، پایه و اساس حقوق جزا نامیده اند. در این دوره، اقتدار حاکم از اراده مطلق رئیس خانواده سرچشمه می گرفت و حق نظام خانواده بر قدرت فرد تکیه داشت. حق مجازات برای رئیس خانواده بود که قدرت بسیار گسترده داشت.^۱ به گونه ای که برخی^۲ حقوق دانان آن را دوره «دادگستر خانواده گی» یا «دادگستری میان کلان ها» نامیده اند. از جمله خصوصیات این دوره، جمع بودن مسئولیت و بی عدالتی در مجازات است. چنانچه جرم در داخل خانواده یا قبیله واقع می شد و یکی از اعضا قربانی جرم بود، رئیس خانواده که معمولاً پدر بود، دستور اجرای مجازات را می داد و اگر جرم خارج از گروه و عشیره ارتکاب می یافت، جنگ های میان قبیله ای را در پی داشت که گاه با تراضی و اخذ غرامت توسط ریان دیده از جرم به پایان می رسید. در این دوره اجرای مجازات فاقد ضابطه و قاعده بود؛ اصل قانونی بودن جرم جایگاهی نداشت و اعمالی مورد مجازات قرار می گرفت که متعیر با منافع خانواده یا قبیله محسوب می گردید؛ «جمعی بودن مسئولیت بدین معنا که وقتی یکی از اعضای گروه

۱. محسنی، مرتضی، کلیات حقوق جزا، تهران، گنج دانش، ج ۲، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۳۳.

۲. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ج ۷، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۶۱.

۳. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، کانون وکلای دادگستری، ج ۲، ۱۳۷۵، ص ۷۵.

مرتکب جرمی می‌شد، همه اعضای گروه، مسئول شناخته می‌شدند^۱، نزاع میان گروهی را عمومیت می‌داد.^۲

۱. حقوق بزه دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌المللی

ظهور دولت‌ها، تمرکز قدرت و ایجاد حاکمیت، موجب تضعیف قدرت قبیله، عشیره و خانواده شد و قدرتی مرکزی جایگزین گردید. لزوم حفظ امنیت و تنظیم روابط درون جامعه موجب شد حکومت‌ها به وضع قوانین پردازند. این دوره را دادگستری خصوصی نامیده‌اند که اگرچه قدرت مرکزی حاکم، وظیفه تعقیب و مجازات مجرم را برعهده دارد، اما از آنجا که شروع به تعقیب، ادامه آن و اجرای مجازات، بنا به درخواست و تقاضای بزه دیده و شاکی است، لذا دادگستری وجهه خصوصی یافته و نقش حکومت به کنترل واکنش‌های انتقام‌جویانه محدود می‌گردد. حاکمیت اراده بزه دیده در خصوص نحوه مجازات، نهادهای جبران خسارت و قصاص را در این دوره بروز می‌دهد.

با ارتقای مبادله و موقعیت انسانی از نظر تولید و سازندگی، به تدریج این فکر قوت گرفت که اجرای اصل قصاص به طور قاطع ضروری نیست و بهتر است در صورت موافقت زیان‌دیده، مجرم در تحمیل مجازات یا پرداخت غرامتی که میزان آن توسط قانون تعیین می‌شود، مخیر باشد. چنانچه زیان‌دیده با سازش در ازای دریافت مالی موافقت می‌کند و مجرم هم قادر و مایل به پرداخت غرامت بود، پرداخت غرامت به زیان‌دیده اجباراً مطابق تعرفه‌ای بود که در قانون مشخص گردیده بود. این نهاد را نظام سازش اختیاری می‌گفتند.^۳

۱. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ج ۴، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۶.

۲. شاید بتوان گفت این نحوه دادگستری هنوز هم در برخی قوم‌های ایرانی وجود دارد. آیین فصل در خوزستان میان قبایل عرب و محکومیت زنان مظنون به ارتباط نامشروع به مرگ با نظر و تصمیم رئیس قبیله، به گونه‌ای که اعضای قبیله، اجرای آن را وظیفه و تکلیف خود می‌دانند، نمونه‌ای از این نوع دادگستری است (ر.ک: ساکی، علی، تعارض عرف حاکم بر عشاير خوزستان با مقررات کیفری ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۵؛ اکبری، محمد، تأثیر فرهنگ عشایری در پیشگیری از وقوع بزه، تعالی حقوق، اهواز، دادگستری استان خوزستان، ش ۱، آبان ۱۳۸۵).

۳. صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۵۲.

از تأسیسات مربوط به دوران عدالت خصوصی، می‌توان به هم‌قسم‌ها^۱، مبد فردی^۲، تحویل موقت^۳، قصاص و وجه‌المصالحه^۴ اشاره کرد.^۵ بدین معنا که بستگان خویشاوندان بزه‌دیده به جای شرکت در جنگ خصوصی علیه بزه‌کار، در کنار بزه‌دیده دادگاه حضور یافته و با ادای سوگند در احقاق حق به او کمک می‌کردند.^۶ مبارزه فرد نشان‌دهنده تبدیل انتقام خانوادگی به انتقام فردی است. بستگان مجرم با تحویل او مسئولیت جمعی میرا می‌شدند و بالاخره زیان‌دیده با اخذ مال از متجاوز، حق انتقام خود به او می‌بخشید.

در تحولات بعدی، دولت بر سرنوشت جرم حاکم شد، بی‌آنکه اختیار نامحدود بزه‌دیده داده شود.^۷ در این دوره که دادگستری عمومی نامیده می‌شود، قدرت مرکز جرم را علیه منافع خود و جامعه می‌داند و لذا حق تعقیب مجرم و به کیفر رساندن وی برای خود قائل است. در این دوران عقیده بر آن است که «انتقام برای افراد ممنوع است زیرا این شاه است که منحصرأ می‌تواند به وسیله مأمورین خود از بزه‌کاران انتقام بگیرد گذر از دوره قبل به این دوره با تحول افکار و اندیشه‌های انسانی، مذهبی و فلسفی همچنین افزایش اقتدار دولت‌ها، ضرورت گرفت. در این دوره نیز در جرایم به زیر اشخاص، درخواست غرامت همچنان رسم متداولی بود، با این تفاوت که با تثبیت خون‌بها دوره سازش اختیاری به پایان رسید و اصحاب دعوا ناگزیر از مصالحه بودند (ساز اجباری).^۸ بنابراین محدودیت‌هایی بر حق انتقام خصوصی وارد شد و عنصر روانی جرم مورد توجه قرار گرفت.

conjuges
duel
deliverance temporary
compensation facultative

۵. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، تهران، فردوسی، ج ۱، ۱۳۷۴، ص ۱۱۷.

۶. حکم قسامه در حقوق اسلامی نیز بر این اساس است.

۷. عزت فتح پیشرفت جوامع و ایجاد نهادهای جدید را که موجب ضعیف شدن دعوای کیفری شد سقوط تاریخی موقعیت بزه‌دیده می‌نامد.

۸. Attah (E.A.) (1986) *From Crime Policy to Victim Policy Reorienting the Justice System*, London: MC.Millan, p: 135).

۹. باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، مجد، ج ۱، ۱۳۸۰، ص ۶۸.

۱۰. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۶۵.

گسترش جوامع ایجاب می‌کرد تا نظامی فراتر از نظم مرتبط با افراد مدّ نظر قرار گیرد. فرض ماهیت عمومی برای جرایم، از ضرورت چنین نظامی سرچشمه گرفت. به همین جهت حکومت در تعقیب و مجازات، حقی مستقل از حق زیان‌دیده برای خود قائل شد. همچنین رشد حکومت‌ها و توسعه روابط میان دولت‌ها، جرایمی را خلق کرد که آثار آن از روابط خصوصی افراد فراتر رفته و نظم عمومی و قدرت حاکمه را تحت الشعاع قرار می‌داد. همچنان که ذکر شد، اندیشه‌های مذهبی در ظهور این دوره مؤثر بود. از جمله ظهور اسلام در عربستان، قصاص را که فاقد حدومرز بود و به تمام افراد قبیله مجرم وارد می‌گردید، محدود نمود. خودداری از انجام قصاص در دوران جاهلیت، دلیل ترسو بودن قبیله بزه‌دیده به شمار می‌رفت و ننگ آور تلقی می‌گردید، اما قرآن کریم با تأیید قصاص، عفو را ارجح اعلام کرد.^۱ همچنین گفتمان قانون‌گذار اسلامی در تعزیرات به عنوان یکی از انواع مجازات‌ها که بسیار متنوع و متفاوت است و تقریر ماهیت عمومی برای جرایم تعزیری، بارقه اصل دادگستری عمومی را روشن می‌سازد.^۲ کارکرد دولت در جرایم موجب حد مانند ارتداد، سب‌النبی و محاربه، نمایان‌گر خصیصه عمومی بودن دادگستری در سیستم حقوق کیفری اسلام است.^۳

۲. جایگاه بزه‌دیده در مکاتب جزایی

در بررسی جایگاه بزه‌دیده در دادرسی کیفری و فرایند جرم، توجه به تحولات مکاتب جزایی ضروری است. سابقه حقوق کیفری مدرن به عنوان رشته‌ای نظام‌مند و در قالب کدهای مدون، به قرن هجدهم و اندیشه‌های منتسکیو بازمی‌گردد. برخی^۴ جرم‌شناسی را به

۱. بقره، ۱۷۷.

۲. ر.ک: شاکری گلپایگانی، طوبی، «دعوی قتل فرزند توسط پدر در سیاست جنایی مشا رکتی»، ندامت صادق، ش ۳۳، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خاوران، بهار ۱۳۸۳، ص ۴۱-۱۳.

۳. ر.ک: شاکری گلپایگانی، طوبی، سیاست جنایی اسلامی، تهران، مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع) - واحد خاوران، ج ۱، ۱۳۸۵، ص ۳۳۵؛ قیاسی، جلال‌الدین و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی (اسلام و حقوق موضوعه)، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ج ۱، ۱۳۸۰، ج ۱، ص الی ۵۷.

۴. برادل، ژان، تاریخ اندیشه‌های کیفری، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت، ج ۱، ۸۱.

سه دوره: غیر علمی، نیمه علمی و علمی تقسیم کرده‌اند؛ در دوره غیر علمی، تحولی شناخت جرم، علت‌های به وجود آمدن آن و شخصیت مجرمانه ایجاد نمی‌شود. تنها دید فلاسفه، متفکران و ادیان، تعدیل‌کننده رفتار با بزه‌کاران است و در غیر این موارد، برخورد با جرم و مجرم، مکانیکی است و علت‌شناسی مورد توجه نیست. دوره نیمه علمی جرم‌شناسی با شروع تفکر در علت‌های جرم با تحقیق در زمینه‌های مختلف از پایان قرن شانزدهم در برخی جوامع شروع می‌شود و بعدها به دوره علمی پیوند می‌خورد، و بالاخره در دوره علمی جرم‌شناسی که با ظهور مکتب تحقیقی آغاز می‌شود، تحقیقات در زمینه علت‌های فردی و اجتماعی جرم به شکل علمی شروع می‌گردد. در همین دوره است که مکاتب مختلف جرم‌شناسی ظاهر می‌شوند که هر یک با دیدگاهی خاص، سعی در علت‌یابی جرم دارند.

مکاتب فکری هر یک پایه و اساس اندیشه‌های خود را بر یکی از محورهای واقع مجرمانه یعنی جرم، مجازات و مجرم قرار داده و بزه‌دیده در حوزه‌های این مکاتب به فراموشی سپرده شده است.

مکتب عدالت مطلق بر چند اصل ثابت اخلاقی استوار است و کوشش انسان را برای رسیدن به سعادت، آن‌گاه ارزشمند می‌داند که بر این اصول استوار باشد. موضوع کیفر از نگاه طرفداران این مکتب، اعاده نظم اخلاقی است که بر اثر جرم (گناه) مختل شده است از پیشگامان این مکتب می‌توان به دومستر^۱ و کانت اشاره نمود. کانت، فیلسوف آلمانی خردگرا و صاحب فلسفه اخلاق است. از نظر او حکم اخلاقی، دارای اعتبار کلی است که زمان و مکان در آن راه ندارد و ارزش اخلاقی وقتی ایجاد می‌شود که شخص به حکم تکلیف به آن عمل کند و برای اخلاق، خارج از اخلاق غایتی پذیرفته نیست. با این وصف به کیفر رساندن بزه‌کار از آثار اصلاحی که احتمالاً به آن مترتب است، ضرورت نمی‌یابد. بلکه لزوم آن ناشی از تحقق ترضیه اخلاقی محض است. بنابر نظر این اندیشمندان، عدالت و اخلاقی ایجاب می‌کند که بزه‌کار کیفر ببیند و اگر فایده‌ای از مجازات برای جامعه متصور نباشد، اجرای آن به لحاظ تجاوز به حریم عدالت و اخلاق ضروری است. مثال معروف جزیره متروک که متعلق به این مکتب است، گواه این مدعاست.

1. Joseph Demaistre

2. Emanuel Kant

امروزه مجازات به عنوان کفاره عمل، کارکرد اساسی کیفر محسوب نمی شود اما هنوز هم یکی از کارکردهای آن است. به همین جهت برخی حقوق دانان و دولت مردان فرانسوی هر بار که ایدئولوژی امنیت گرا (سرکوبی) را بر ایدئولوژی بازپذیری بزهکار ترجیح می دهند، تبعید را به عنوان اقدامی ماهیتاً کفاره ای و طرد کننده در نظر می گیرند.^۱

مکتب کلاسیک به دنبال مکتب عدالت مطلق و با عقاید اندیشمندانی چون بکاریا^۲ و بنتام^۳ پای به عرصه وجود نهاد و پایه آن بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، آزادی اراده و مسئولیت کیفری نهاده شده است. این مکتب با آنکه ریشه اش در منشآت نویسندگانی چون منتسکیو^۴، بکاریا و فوئرباخ^۵ است، اما به طور جدی پس از انقلاب کبیر فرانسه و به هنگام تدوین قانون جزای ۱۷۹۱ این کشور پایه گذاری شد. در آن هنگام حقوق دانان فرانسوی می خواستند ترجیه کنند که اصولاً دولت همان طور که وسایل رقاء و امنیت افراد مملکت را فراهم می نماید همان طور نیز حق دارد که افراد را در صورت ارتکاب جرم، تنبیه و مجازات کند. بنابراین گرانیگاه این مکتب به جای مجازات، بر مجرم قرار گرفته است. به نظر بکاریا تنها رفتاری از نظر جزایی قابل تنبیه است که هم بله منافع جامعه صدمه بزند و هم به قاعده اخلاقی توهین کند.

اتحاد اخلاق و قانون بسیار ضروری و مطلوب است، لیکن معیار حاکم در اینجا، سودمندی است، مجازات قبل از هر چیز مانع آن می شود که مقصر دوباره به جامعه ضرر بزند و دیگران مرتکب بزه گردند.^۶ با این وصف هدف مجازات از گذشته (زلمات ارتکاب جرم) به آینده (عدم ارتکاب جرم) انتقال یافت. مکتب کلاسیک، سودمندی مجازات را در کنار عدالت مورد پذیرش قرار می دهد.^۷

۱. لازرژ، کریستین، درآمدی به سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۴۶.

۲. Beccaria

۳. Bentham

۴. Montesquieu

۵. Feuerbach

۶. صلاحی، جاوید، کیفرشناسی، تهران، سحوری، ج ۳، ۱۳۸۲، ص ۴۴.

۷. پرادل، ژان، تاریخ اندیشه های کیفری، ص ۴۳.

۸. ر.ک: کاتینگهام، جان، «فلسفه مجازات»، ترجمه ابراهیم باطنی و محسن برهانی، فصلنامه تخصصی فق و حقوق، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ش ۴، بهار ۱۳۸۴، ص ۱۴۷-۱۷۰.

بکار یا مقیاس شدت جرم را صدمه‌ای می‌داند که از آن به جامعه وارد می‌شود و معتقد تناسب مجازات‌هاست که براساس آن موانعی که فرد را از ارتکاب جرم باز می‌دارد باید مقایسه با مغایرت جرم با خیر همگانی و نیز در مقایسه با انگیزش‌های جرم، قوی باشد.^۱ بکار یا در رساله جرایم و مجازات‌ها^۲ که مظهر بزرگ‌ترین نهضت اندیشه فک اروپاست، راه جدیدی را در نظام قانون‌گذاری اروپا گشود و این مکتب در تدوین قوانین کیفری بعضی ممالک مثل فرانسه تأثیر کلی داشته است.^۳ رد کیفرهای سنگین و توجه حتمیت و قطعیت مجازات‌ها، از آموزه‌های فکری بکاریاست.

علاوه بر مکتب کلاسیک، مکتب نئوکلاسیک نیز در نهضت قانون‌گذاری سوزدهم، منشأ اصلاحات فراوانی گردید و با تلفیقی از نظریه‌های پیش گفته، اندیشه‌ای ارائه داد. گیزو، روسی^۴ و اورتولان^۵ به عنوان نمایندگان مکتب نئوکلاسیک توانستند پیوند و تضارب آرای فلسفی کلاسیک (عدالت مطلق) و اصالت سودمندی کیفر، تعیین نواز حدود قوانین کیفری و تناسب آن با مقتضیات اجتماعی ارائه دهند. در حقیقت حاکم اساسی نئوکلاسیک‌ها این است که اصول عقاید مکتب کلاسیک هنوز چنان که باید و بشکاک کامل نیافته و به جای طرد این اصول می‌توان به تکمیل آن‌ها پرداخت.^۶ دو بینشی که مکتب بر آن استوار است، پذیرش قوه اختیار برای انسان و مادی بودن انسان است. یعنی صرفاً نقض یک تکلیف اخلاقی نیست، بلکه نقض تکلیفی است که می‌تواند در نظم جاری اختلال ایجاد نماید.

اورتولان حق جامعه را برای حفظ حیات خود به زیان دیگران، مورد انتقاد قلم می‌دهد و مرز این دو را نه بیش از آنچه عدالت اقتضا کند و نه بیش از حد سودمند ترسیم می‌کند. بنابراین اساس مکتب نئوکلاسیک بر جرم و مجازات استوار است و بزه

۱. ولت، جرم، توماس برنارد و جفری اسنپس، گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه: علی شجاعی، تهران، سمت، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۲۷۷.

۲. ر. کت: بکار یا، سزار، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چ ۲، ۱۳۷۴، ص ۱۰۹.

۳. گلدوویان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، چ ۳، ۱۳۷۸، ص ۷۱.

در این مکتب جایگاهی ندارد.^۱

پس از نو کلاسیک، مکتب پوزیتیویسم یا اصالت تحصیل، در دو دهه پایانی قرن نوزدهم با تحولات شگرف علمی در زمینه پژوهش های علوم انسانی به ویژه مردم شناسی و جامعه شناسی ظهور یافت.

این مکتب با اعتقاد به ضرورت دخالت نظام کیفری از لحاظ فلسفه مجازات، معتقد به جبریت بزهکاری بود، آزادی اراده را انکار می کرد و برای بزهکار، مسئولیت اخلاقی قائل نبود. سرار لومبروزو^۲ استاد پزشکی قانونی به عنوان بنیان گذار مکتب تحقیقی معتقد بود بزهکاری پیش از آنکه به طور خاص پدیده ای انسانی باشد، در طبیعت نیز مشاهده می شود. لذا بزه زائیده آزادی انسان نیست، بلکه عملی حیوانی است که وقتی نشانه های طغیان و بازگشت غریزه های حیوانی و ابتدایی در انسان بروز می کند، تحقق می یابد.

انریکو فری^۳ شاگرد لومبروزو با پذیرش برخی نظریه های استاد خود، عوامل زیستی پیدایش جرم را با تکیه بر نقش محیط فیزیکی بر مجرم، تبیین می کند. او معتقد است که انسان تحت تأثیر عوامل اجتماعی مرتکب جرم می شود، لذا باید مسئولیت اجتماعی بزهکار را جایگزین مسئولیت اخلاقی نمود. وی به همین دلیل اصطلاحات مجرم و جرم را چندان واقعی تلقی نمی کند، اما معتقد به لزوم دخالت دولت در کنترل جرم است.

مکتب تحقیقی واضع اقدام های تأمینی است و زیربنای این اقدام ها را وجود حالت خطرناک در مجرم قرار می دهد. از ویژگی های اقدام های تأمینی در مکتب تحقیقی، نامعین بودن مدت آن و عدم تقیید آن به ارتکاب جرم است. بنابراین اقدام تأمینی نسبت به کسی

۱. برخی محققان به این نتیجه رسیده اند که نو کلاسیک اول که به مکتب نو کلاسیک دوره رستوراسیو و استبداد ژوویه معروف است، در اوایل قرن نوزدهم تلاش نمود تا با الهام از احکام بکارها و بنیاد کاستی های مکتب کلاسیک را برطرف کند و از خصیصه یک بعدی و افراطی بودن آن بکاهد. نو کلاسیک دوم یا مکتب نو کلاسیک فرانسوی به لحاظ تاریخی پس از ظهور و افول مکتب تحقیقی فلسفه در اوایل قرن بیستم پدیدار شد و سعی در ایجاد سازش و رفع مغایرت های موجود میان مبانی فلسفه مکتب کلاسیک و دستاوردهای مکتب اثباتی داشت. گرایش اکثر حقوق دانان فرانسوی به دیدگاه ها کلاسیک سبب شد که نو کلاسیسم دوم، آموزه ای فرانسوی تلقی شود (داوودی گرمارودی، هم بررسی بویایی و پایایی مکتب نو کلاسیسم باز اندیشیده، پایان نامه دکتری، دانشگاه تهران، ۳۸۳ ص ۵۳).

که هنوز مرتکب جرم نشده، اما حالت خطرناک، او را در ورطه احتمال ارتکاب جرم قرار می‌دهد، قابل اجراست. این مکتب برخی اصطلاحات حقوق کیفری را تغییر داد؛ «بیمار» جایگزین «مجرم»، «حالت خطرناک» را جایگزین «جرم» و «اقدام تأمینی» را جایگزین «مجازات» نمود.

فری هر گونه اندیشه تلافی جویانه‌ای که مکافات تقصیر اخلاقی را کیفر می‌داند مردود می‌شمارد و در واکنش‌های گوناگون جامعه، نوعی وظیفه صیانت حیات اجتماعی جست‌وجو می‌کند و معتقد است که این نقش اجتماعی دفاعی به نادرستی هنوز «حق کیفر» نامیده می‌شود.^۱ با این دیدگاه نقش دولت به عنوان حافظ منافع جامعه در فرایند دادرسی کیفری پررنگ می‌شود.

تئوریسین دیگر این مکتب، گاروفالو^۲ است که تحت تأثیر نظریه داروین، قانون سازگاری اجتماعی را ارائه می‌دهد و آن را با عبارت «کاوش حالت ناسازگاری مجرم» زندگی اجتماعی در موارد مختلف^۳ تعریف می‌کند. با این وصف برای ناسازگاری هر شخص، نیاز به واکنشی موافق با طبیعت و شخصیت او است تا بین بزهکار یا شخص دارای حالت خطرناک با محیط وی سازگاری ایجاد نماید.

همچنان که ملاحظه می‌شود مکتب تحقیق برخلاف مکاتب پیشین که بر جرم استوار بودند، با توجه به مجرم به طبقه‌بندی آنان می‌پردازد. لومبروزو مجرمین را در پهنه طبقه: بالفطره، دیوانه، به عادت، اتفاقی و هیجانی قرار می‌دهد و به دنبال آن تیپ‌شناسی جنایی به ارائه طبقه‌بندی‌های دیگری از مجرمین روی می‌آورد.^۴

متعاقباً مکتب دفاع اجتماعی در ابتدای قرن بیستم با کوشش برای به دست آوردن یک سیاست جنایی مناسب به منظور «دفاع اجتماعی» شکل گرفت. این مکتب بر اصالت تجربه و فایده‌گرایی استوار است و از اندیشه‌های ویلیام جیفر فیلسوف معروف امریکایی الهام گرفته است. او معتقد است محک حقیقت در عمل است و به نتایج باید بیش از اصول توجه کرد.

۱. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۹۴.

2. Garofalo

۳. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۱۷.

۴. ر.ک: گسن، ریموند، جرم‌شناسی نظری، ترجمه مهدی کی‌نیا، تهران، مجد، ج ۲، ۱۳۸۵، ص

بنیان‌گذاران این مکتب آدولف پرنس^۱ (بلژیکی)، وان هامل^۲ (هلندی) و فون لیست^۳ (آلمانی) هستند که اتحادیه بین‌المللی حقوق کیفری را پایه‌گذاری کردند. پرنس نظام دلخواه خود را براساس «ادری‌گری و ندانم‌گرایی» نسبت به مسئله آزادی اراده و تقدم اصل خنثی‌سازی حالت خطرناک بنا می‌نهد و برای رفع حالت خطرناک مجرمین پیشنهاد «حکم محکومیت نامعین» را دارد. به اعتقاد پرنس «معتقدان به جبر یا اراده آزاد، طبیعت پیچیده انسانی را فراموش می‌کنند و به راه‌حل‌های آسان دست می‌زنند».^۴

این مکتب با رد ارتباط کامل بین مسئولیت و حالت خطرناک، توجه به حالت خطرناک را به منظور دفاع از جامعه و توجه به مسئولیت را به منظور تعیین مجازات متناسب، قابل توجه خواند و تئوری کیفر به عنوان تنها ابزار مبارزه با بزهکاری را به کنار نهاد.

مکتب دفاع اجتماعی نوین توجه به جامعه به عنوان بزه‌دیده غیرمستقیم جرم و حتی بزه‌دیده اصلی آن، درمان و اصلاح بزهکار را به عنوان یکی از طرق حمایت از جامعه مقرر می‌دارد و حد وسط میان دو مکتب کلاسیک و تحقیقی را انتخاب می‌نماید.

مارک آنسل معتقد است نباید در اعمال مجازات‌ها تنها به دفاع از جامعه پرداخت و بهترین راه برای دفاع از جامعه این است که ضمن احترام به حیثیت بشری بزهکار، شخصیت او را به طرق و وسایل ممکن تحت تأثیر قرار داده، ضمن آنگاه کردن او از مسئولیت اجتماعی خود، وی را برای ورود به اجتماع آماده سازیم.^۵

تأثیر این نهضت فکری در اوایل سده بیستم، اندیشه جایگزینی نظام کیفری و اتخاذ شیوه‌های جدید پیشگیری از جرم را به وجود آورد. مکتب تحقیقی، اصطلاح «دفاع اجتماعی» را در معنای حفظ و صیانت جامعه به کار می‌برد و دفاع اجتماعی، صیانت از جامعه را با بازپروری مجرم و سازگار نمودن وی با جامعه محقق می‌داند.

گراماتیکا استیفای حقوق دفاع اجتماعی را با مفاهیم «بزه»، «بزهکار» و «کیفر» مغایر می‌داند؛ زیرا چنین مقرراتی فاقد صبغه کیفری است و غایت آن، سلازگاری فرد با نظام اجتماعی است. وی معتقد است نشانه‌های جامعه‌ستیزی بزهکار باید مورد توجه قرار گیرد و

1. Adolf Prins
2. Van Hamel
3. Von List

۴. نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۲۱.

۵. گلدوزیان، ایرج، بایسته‌های حقوق جزای عمومی، ص ۵۵.

به مقتضای آن، مراجع تصمیم‌گیری، اقدام‌هایی برای مقابله با جرم بنمایند.^۱ بدین ترتیب جنبش دفاع اجتماعی با تمرکز توجه خود بر مجرم، طرفدار کیفرزدایی است. تنو کیفرزدایی مکتب دفاع اجتماعی، بدون توجه به بزه‌دیده و جبران خسارت او و صرفاً منظور بازسازی اجتماعی بزه‌کار رقم می‌خورد.

۳. بزه‌دیده و نظریه‌های جرم‌شناختی معاصر

همچنان که ملاحظه شد، جایگاه بزه‌دیده در مکاتب حقوق کیفری چندان واضح نیست شاید بتوان گفت تا قبل از ظهور مکتب عدالت ترمیمی، بزه‌دیده، فاقد جایگاهی نمودار تحقیقات جرم‌شناسی و نظریه‌پردازی‌های حقوق کیفری بود؛ و رویکرد نظام‌های عدالت کیفری دنیا بر افزایش اختیار دولت‌ها در تعیین سرنوشت یک پرونده کیفری و حذف نقش بزه‌دیده، از دادرسی‌های کیفری بوده است، اما نظریه‌های جرم‌شناختی چند دهه آخر قرن بیستم با تغییر این نگرش، بر انتخاب بزه‌دیده به عنوان بازیگر اصلی این فرایند تأکید نمود. تک اندیشه‌های جزایی، رویکردهای نوینی را در کشورهای غربی و اروپایی پدیدار کرده است که از مهم‌ترین این اندیشه‌ها می‌توان به عدالت استحقاقی^۲ و عدالت ترمیمی^۳ اشاره نمود. اندیشه مجازات‌های استحقاقی از اوایل دهه ۱۹۷۰ به ویژه در آمریکا پا به عرصه وجود نهاد و محققان بسیاری را به منظور تجدید حیات رویکرد مبتنی بر سرکوب مجازات بزه‌کاران، به خود جلب کرد. این رویکرد با کاهش قلمرو شمول نظم محکومیت‌های غیرمعین و توسل به نظام محکومیت‌های معین، مجازات‌های اجباری گرایش به اتخاذ سیاست‌های شدید به ویژه نسبت به مرتکبان تکرار جرم (در قالب قوانین سه ضربه و سپس اخراج^۴ و...) در انگلستان، کانادا، استرالیا، سوئد و به ویژه در بسیاری

۱. ر.ک: آنسل، مارک، دفاع اجتماعی، ترجمه محمد آشوری و علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.

just desert
restorative justice

۴. «three strikes and you are out» قوانین سه ضربه مصوباتی هستند که در ایالات متحده به موقع اجرا گذاشته شده و دادگاه‌های ایالتی را ملزم می‌کند افرادی را که سه بار یا بیشتر به خاطر جرایم کیفری شدید، محکومیت یافته‌اند، به حبس طولانی محکوم نمایند. این قوانین در دهه ۱۹۹۰ رایج شد و وکلا اساتید حقوق به آن قوانین مربوط به مجرم‌ان به عادت می‌گویند (جوانمرد، بهروز، «قوانین سه ضربه»، ماهنامه تعالی حقوق، اهواز، دادگستری استان خوزستان، ش ۱۶-۱۷، دی و بهمن ۱۳۸۶، ص ۳۴).

ایالات امریکا و قوانین کیفری فدرالی آن کشور مورد استقبال قرار گرفت و بر وجهه تنبیهی و جزایی نظام عدالت کیفری، شدت بخشید.^۱ بدین ترتیب از سال ۱۹۷۰ افکار جرم‌شناسان و فلاسفه کیفری به عدالت سزاده‌ی یا عدالت مطلق معطوف گردید، بدون اینکه بزه‌دیده را هم در اتخاذ تصمیم نسبت به جرم دخیل بدانند.

نظریه دیگر که از آن به عنوان مکتب نیز یاد می‌شود، عدالت ترمیمی است. توجه به حق خصوصی که در اثر ارتکاب جرم به وجود می‌آید، محور مکتب عدالت ترمیمی است و به همین جهت شاید بتوان گفت این مکتب، چیز جدیدی ارائه نکرده و همان آموزه‌های دوران باستان را تکرار می‌کند. البته نباید پیشرفت‌ها و تحولات این مکتب را نسبت به عدالت سنتی که حق انتقام برای بزه‌دیده، بستگان، قبیله و عشیره او قائل بود، از یاد برد. با این توضیح که عدالت ترمیمی، بزه‌دیده را محور کار خود قرار می‌دهد بدون اینکه بزه‌کار را از یاد برد.

توجه به حقوق بزه‌دیدگان، با آموزه‌های عدالت ترمیمی پای به عرصه سیاست جنایی نهاد. این اندیشه از ناکارآمدی عدالت کیفری کلاسیک و عدم موفقیت آن در بازدارندگی عام و خاص نضج گرفت. همچنین دخالت روزافزون دادگاه‌ها و قوه قضاییه که ناشی از افزایش شمار جرایم مندرج در قانون به لحاظ توسعه زمینه‌های جرم در اثر پیشرفت‌های صنعتی بود، در کنار این ناکارآمدی، ایده دیگری را مبتنی بر عقب‌نشینی نظام کیفری و واگذاری سرنوشت دعوی کیفری به طرفین آن، طرح کرد.

انتقادهای وارد بر عدالت کیفری از جمله پرهزینه بودن آن، عدم بیان مناسب نسبت به هزینه‌ها، ناموفق بودن در ایجاد حس عدالت در جامعه و تشدید اختلاف به جای بهبود اوضاع، موجب کنارگذاشتن دیدگاه‌های سزاده‌ی و نظام عدالت دولتی و جایگزین نمودن جبران خسارت به جای مجازات و همچنین بزه‌دیده و جامعه محلی به جای دولت و دادگاه شد. عدالت ترمیمی تحت تأثیر دستاوردهای بزه‌دیده‌شناسی حمایتی که بزه‌دیده را مستحق حمایت و کمک می‌داند، با راهکارهای شبه قضایی محلی مردمی، بر فعال کردن نقش بزه‌دیده و شاکی در فرایند دادرسی کیفری همت گماشت و بیش از آنکه به اصلاح مجرم یا صیانت جامعه بیندیشد، مطالبات شاکی را که از وقوع جرم متحمل خسارت شده بود مدنظر قرار داد.

۱. غلامی، حسین و علی حسین نجفی ابرندآبادی، «نظریه مجازات‌های استحقاقی و تکرار جرم»، مح مدرس (علوم انسانی)، تهران، ش ۴، ۱۳۷۸، ص ۹۹.

واقعیت این است که حتی در دوران حاکمیت عدالت کیفری بر مبنای مکات عدالت مطلق، کلاسیک، تحقیقی و دفاع اجتماعی که دولت، گستره عدالت را تصره کرده و با توجه به بزهکار، بزه دیده را به فراموشی سپرده بود، نیز ایده ترمیم و استفاده روش های ترمیمی مطرح می گردید. به عنوان مثال توماس مور تأکید دارد که بزهکاران با ملزم به استرداد مال و جبران خسارت بزه دیدگان شوند و برای این منظور باید از آنان انجام کارهای عمومی استفاده کرد تا با کسب درآمد، توان مالی جهت جبران خسارت مجنی علیه را پیدا کنند؛ و بنام فیلسوف انگلیسی بر ضرورت توجه به بزه دیده در فرایند کیفری تأکید می کند و معتقد است رضایت خاطر بزه دیده به اندازه اعمال مجازات بزهکار ضروری است.^۱

رویکرد جدید عدالت ترمیمی، مفهوم جبران خسارت بزه دیده را که در تمامی ادوا کم و بیش ظهور و بروز داشت، تغییر داده است. عدالت ترمیمی در مفهوم جدید علاوه بر لزوم ترمیم، به نقش بزه دیده در کلیه مراحل فرایند دادرسی کیفری تأکید و توجه دارد در واقع «کسب آگاهی و اطلاع از مسائل مرتبط با پرونده را حق او می داند».^۲ بزه دیدگان نیازمند آگاهی و دریافت پاسخ پرسش های خود در مورد جرم، دلیل وقوع آن و اینکه چرا در آن زمان مورد ارتکاب جرم قرار گرفته اند، هستند. تأمین و تحصیل اطلاعات واقعی اغلب مستلزم دسترسی مستقیم یا غیرمستقیم به بزهکار است که این اطلاعات را در سیند خود جای داده است.^۳ بدین سان «علاوه بر توجه به حقوق و منافع بزه دیده، سرنوشت اجتماعی - خانوادگی بزهکار، وضعیت جامعه محلی به عنوان بزه دیده ثانوی و حتی مصالح کل جامعه در جرایم شدید نیز در مراحل مختلف رسیدگی و حکام تعیین و اجرای مجازات، مورد توجه آنان قرار می گیرد».^۴

۱. غلامی، حسین، عدالت ترمیمی، تهران، سمت، ج ۱، ۱۳۸۵، ص ۶۸ و ۶۹.

2. Wemmers, Jo-Anne, (2006) *Reparation and International Criminal Court: Meeting the Needs of Victims*. Report of the Workshop held January 28 th 2006-Organized Restorative Justice, International center for Comparative Criminology University of Montreal, p: 1.

۳. ر.ک: زهر، موارد، کتاب کوچک عدالت ترمیمی، ترجمه حسین غلامی، تهران، مجد، ج ۱، ۱۳۸۳، ص ۳۲ و ۳۳.

۴. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، «از عدالت کیفری کلاسیک تا عدالت ترمیمی»، مجله دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ش ۱۰ و ۹، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۱.

عناصر عدالت ترمیمی عبارت‌اند از بزه‌دیده، جامعه محلی و توافق. مهم‌ترین عنصر عدالت ترمیمی، توجه به نیازهای بزه‌دیدگان از جرم است. عدم توجه به بزه‌دیده در قوانین مشهود است؛ قانون‌گذار جرم را براساس رفتار و قصد مجرم تعریف می‌نماید؛ به غالب جرایم، ماهیت عمومی می‌دهد، دادستان را مسئول تعقیب و صاحب اختیار در تمامی مراحل کشف و تعقیب جرم و تحقیق درباره آن، معرفی می‌نماید و نهایتاً توجه دادگاه را به تعیین مجازاتی متناسب در جهت اصلاح و بازسازی اجتماعی مجرم، معطوف می‌دارد؛ در تمامی این اقدامات، نقش بزه‌دیده مغفول مانده است. دستگاه عدالت کیفری که دولت را جایگزین بزه‌دیده می‌کند و جرم را به عنوان اقدامی علیه دولت معرفی می‌کند، با تعافل از بزه‌دیده، متضرر حقیقی از جرم را دولت و نهایتاً جامعه می‌داند که در اولی، اقتدار و در دومی، وجدان جمعی‌اش مورد تخطی قرار گرفته است، در این دیدگاه نیز بزه‌دیده نادیده گرفته می‌شود.

ویژگی توجه به بزه‌دیده در عدالت ترمیمی، مخدوش کننده ضرورت توجه به بزه‌کار نیست و به عبارتی این حمایت و توجه، دو سویه است. در عدالت ترمیمی لازم است که بزه‌کار نیز مورد حمایت قرار گیرد و توازن و تعادل این حمایت دو سویه، شرط لازم تحقق آرمان عدالت ترمیمی است. توجه به بزه‌کار از یک سو با رعایت حقوق او و از دیگر سو با توجه به مسئولیت او صورت می‌گیرد لذا پاسخگویی بزه‌کار و مسئول بودن او در مقابل جرم و صدمات ناشی از آن، نوعی توجه به بزه‌کار است که آثار مفید آن متوجه بزه‌دیده نیز می‌گردد.

در تفاوت ویژگی پاسخگو بودن بزه‌کار در نظام عدالت کیفری و عدالت ترمیمی گفته شده است^۱ که نظام عدالت کیفری نیز به پاسخگو بودن بزه‌کار توجه دارد، اما آن را ابزاری برای اطمینان از اینکه بزه‌کار مجازاتی را که مستحق آن است، دریافت کرده است می‌داند. در مقابل، ویژگی مخصوصه آمیز بودن این نظام مستلزم آن است که بزه‌کار در جست‌وجوی منافع خویش باشد. اعمال مجازات یا تحمل آن، مسئولیت‌پذیری پاسخگویی واقعی نیست، بلکه مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی، مستلزم رو در رو شدن فرد آنچه انجام داده است، می‌باشد. این امر بدان معناست که بزه‌کار باید تشویق شود تا تأثیر

رفتار خویش بر دیگران و صدمه و زبانی را که ایجاد کرده است درک کند و نیز ترغیب شود تا حد ممکن در جهت اصلاح امور گام بردارد.

به عبارت دیگر «نظریه عدالت ترمیمی» تا بیشترین حد ممکن، مبتنی بر رضایت به و تا آنجا که ممکن است کمتر مبتنی بر اجبار می باشد ... هدف آن است که مردم را به استفاده از سرکوبی، بر قرار گرفتن در مرزهای قابل قبول جامعه ترغیب نماییم (اصحداً کمتر رضایت، حداقل اجبار).^۱

همچنان که ذکر شد توجه به نقش بزه دیده نباید موجب نادیده انگاشتن بزهکار شود. از سوی دیگر، توجه به نقش این دو نباید موجب نادیده گرفتن دولت گردد. در این خصوص عدالت ترمیمی با دو رویکرد تقریباً متفاوت روبه روست. در یک رویکرد تحولات نظام عدالت کیفری سنتی و در رویکرد دیگر جایگزینی آن، مدنظر قرار می گیرد. به عبارت دیگر «یکی از این استراتژی ها به منظور تغییر در الگو می باشد و استراتژی دیگر، جهت اصلاح تدریجی الگوی اخیر عدالت کیفری را انتخاب می کند».^۲ این دو استراتژی هم عدالت بیشینه خواه و عدالت ناب خواه است که در اولی، دولت در کنار بزه دیده در پاسخ به جرم، اعمال نقش می کند و دومی صرفاً به بزه دیده در این حوزه نقش می دهد.

اجتماع، عنصر دیگر عدالت ترمیمی است. بی تردید جامعه، به ویژه جامعه محلی ارتکاب جرم تأثیر می پذیرد، لذا باید در کنار بزه دیده و به عنوان بزه دیده ثانویه در تصمیم گیری پیرامون جرم، مداخله کند.

عنصر دیگر فرایندهای ترمیمی، توافق بزهکار و بزه دیده بر نحوه جبران آسیب پاسخ به بزه است. در عدالت کیفری سنتی، مجازات بدون توجه به خواست و نیازهای بزه دیده و مرتکب تعیین می شود، اما در عدالت ترمیمی توافق بین بزهکار و بزه دیده سرنوشت واقعه مجرمانه را مشخص می کند.

یکی از پیش فرض های عدالت ترمیمی آن است که بزهکار با اراده آزاد به تفاهم و حسن نیت و مسئولیت پذیری آگاهانه نایل شود و پیشگیری از جرم نیز در سطح وسیعی به

۱. رایت، مارتین، «حقوق و نیازهای بزه دیدگان در فرایند عدالت کیفری»، جرم، بزه دیدگان و عدالت (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، خلیلیان، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۲۰۵.

۲. گروهو جنس، مارک، «عدالت ترمیمی و حقوق بزه دیده»، جرم، بزه دیدگان و عدالت (مجموعه مقالات)، ترجمه امیر سماواتی پیروز، خلیلیان، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۱۵.

قدرت اقناع‌آوری جامعه در مورد بزه‌کار بستگی دارد.^۱ شاید بتوان گفت آموزه‌های مکتب عدالت ترمیمی برای قابلیت اجرا یافتن نسبت به جنایات داخل در صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، باید خود را با ویژگی‌های این جرایم از جمله شدت و اهمیت جرم و این واقعیت که وجدان جامعه جهانی از ارتکاب این اعمال جریحه‌دار شده است، منطبق نمایند. در این راستا عنصر بزه‌دیده و جبران خسارت باید پررنگ‌تر شده و در مقابل، عنصر توافق رنگ بازد.

بزه‌دیده و حمایت از اندیشه عدالت ترمیمی در حقوق بین‌المللی نیز مورد توجه قرار گرفته است. سابقه این توجه به سال ۱۸۷۸ و تشکیل کنگره بین‌المللی زندان در استکهلم برمی‌گردد. در این کنگره، به ضرورت بازگشت به مفهوم سنتی جبران و استرداد در میان کلیه نظام‌های حقوقی تأکید شد. کنگره ۱۸۹۰ در روسیه (پترزبورگ) و نروژ (کریستیان) نتایجی مثبت در حمایت از عدالت ترمیمی و احیای آن به دنبال داشت و کنگره ۱۹۰۰ بروکسل، عدالت ترمیمی را به نحو جامعی مورد بحث قرار داد. اما احیای عدالت ترمیمی در دهه هشتاد قرن بیستم میلادی صورت گرفت و جرقه‌های این احیا را می‌توان به آثار نظریه پردازانی چون اگلاش^۲ و بارنت^۳ نسبت داد.^۴ همچنین جنبش‌های فمینیستی^۵ با هدف حمایت از زنان در دهه هفتاد، بخشی از برنامه خود را به حمایت از زنان در مقابل جرم اختصاص داد و وارد حوزه بزه‌دیده‌شناسی حمایتی شد.

بیش از بیست سال است که مفهوم و آثار بزه‌دیده‌شناسی حمایتی از قربانیان مستقیم و غیرمستقیم بزهکاری و به تبع آن عدالت ترمیمی، حجم گسترده‌ای را در سطح سازمان ملل متحد و مؤسسه‌های تحقیقاتی منطقه‌ای وابسته، به خود اختصاص داده است. پیشنهاد تنظیم سند راهبردی سیاست جنایی در قبال بزه‌دیدگان (۱۹۸۰ میلادی)، تصویب اعلامیه اصول بنیادی عدالت راجع به بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵ میلادی)؛

۱. عباسی، مصطفی، میانجی‌گری کیفری، تهران، دانشور، ج ۱، ۱۳۸۲، ص ۶۵.

2. Albert Eglash

3. Barnet

۴. اگلاش با مقاله «ماورای استرداد یا استرداد خلاق» و بارنت با مقاله «استرداد، پارادایم جدید عدالت

کیفری» در احیای عدالت ترمیمی نقش بسزایی داشتند.

5. feminism

6. General Assembly Resolution 10/34, annex, Declaration of Basic Principles of Justice for Victims of Crime and Abuse of Power (1985).

کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار^۱ (۱۹۸۳ میلادی) قطعنامه تهبه کتابچه‌های راهنما درباره به کارگیری و اجرای قطعنامه مورخ ۱۹۸۵ در سال ۱۹۹۶ میلادی به تصویب رسید، از جمله فعالیت‌های بین‌المللی در زمینه حق بزه‌دیده است.

۴. تعریف بزه‌دیده

در حقوق داخلی از بزه‌دیده تعاریف مختلفی شده که دارای نقاط اشتراک زیادی می‌باشد. عزت فتاح جرم‌شناس کانادایی، بزه‌دیده را کسی می‌داند که به یک برآیند منفی یا زیان آسیب اعم از مالی، بدنی یا عاطفی دچار شده باشد. با این وصف بزه‌دیده شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد.^۲ تعریف دیگر بزه‌دیده را کسی می‌داند که «جرم یک خسارت قطعی و آسیب به تمامیت شخصی او پدید آورده است» اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند.^۳ در این تعریف از بی‌حرمتی و اهانت نسبت به وجدان جمعی یا دولتی که این وجدان در آن تجلی یافته است، بحث نمی‌شود، بلکه بی‌حرمتی و اهانت فردی نسبت به یک عامل خاص اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تعریف از آن جهت که اشاره‌ای به بزه که منشأ اصل ورود آسیب است، نکرده و سوی دیگر با عبارت «اکثر افراد جامعه هم به این مسئله اذعان دارند»، قضاوت و وجدان جمعی را ملاک شناخت بزه‌دیده قرار داده، ناقص و مبهم است.

در یک تعریف کلی می‌توان بزه‌دیده را شخصی دانست که به طور مستقیم از وقوع

European Convention on the Compensation of Victims of Violent Crimes, Strasbourg, 24. xl. 1983, in: Council of Europe- ETSno. 116, pp: 1-30

۲. بر این اساس، مرکز مطالعات معاونت حقوقی و توسعه قضایی قوه قضاییه به ترجمه کتابچه تهیه شده عنوان «عدالت برای بزه‌دیدگان» هست گذاشت که چاپ نخست آن در سال ۱۳۸۴ منتشر گردید.

۳. ر.ک: رایجیان اصلی، مهرداد، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران، دادگستر، ج ۱، ۱۳۸۴، ص ۱۵ و ۱۶.

۴. لپز، ژرار و زینا فلیزولا، بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی، ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمد تهران، مجد، ج ۱، ۱۳۷۹، ص ۹۶.

۵. همان، ص ۹۶ و ۹۷.

جرمی متحمل ضرر و زیان شده است. شمول این تعریف بر اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی است و طبق آن ورود خسارت باید ناشی از جرم و به طور مستقیم باشد. به عبارت دیگر، بزه‌دیده باید آماج مستقیم جرم بوده و خسارت وارده مستقیماً متوجه او شود. توجه به این نکته لازم است که غالباً اشخاص دیگری غیر از بزه‌دیده نیز متحمل خسارت اعم از مادی یا معنوی می‌گردند، اما به آن‌ها نمی‌توان عنوان بزه‌دیده داد. به عنوان مثال والدین کودکی که مورد آزار و اذیت جنسی قرار گرفته، یا زنی که به همسرش صدمه جسمانی وارد شده است، از جرم ارتكابی متأثر شده و در واقع بزه‌دیده غیرمستقیم هستند، اما بزه‌دیده مستقیم، همان کودک یا شوهر است.

با این وصف باید بین شاکی خصوصی و بزه‌دیده قائل به تفکیک شد. شاکی خصوصی می‌تواند بزه‌دیده هم باشد و کسی است که تعقیب در جرایم قابل گذشت به اختیار او شروع می‌شود و اعلام گذشت وی نسبت به مجرم در هر مرحله‌ای، تعقیب، محاکمه یا اجرای مجازات را متوقف می‌سازد.^۱ شاکی خصوصی اعم از بزه‌دیده است و از سوی دیگر مفهوم بزه‌دیده نیز اعم از شاکی خصوصی است. لذا ارتباط بزه‌دیده و شاکی خصوصی، رابطه عموم و خصوص من وجه است.^۲ گاه بزه‌دیده، شاکی خصوصی نیست (مثل مقتول در جرم قتل) و اولیای دم یا وراثت به عنوان شاکی خصوصی اقامه دعوی می‌نمایند و گاه بزه‌دیده، شاکی خصوصی است مانند قربانی ایراد ضرب و جرح عمدی که خود اعلام شکایت می‌نماید و گاه دیگری از جانب او اقامه دعوی می‌کند. مانند کودک که بزه‌دیده جرم است، اما حق تعقیب به ولی یا قیم او اختصاص دارد. چنانچه بزه‌دیده را اعم از مستقیم و غیرمستقیم بدانیم، باید ارتباط بین بزه‌دیده شاکی خصوصی را نسبت عموم و خصوص مطلق قرار دهیم و در این صورت هر شاکی

۱. ماده ۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری (۱۳۷۸) در بند ۲ از جرایم نام برده که با شکایت شاکی تعقیب می‌شوند و با گذشت وی موقوف می‌گردند. بند ۲ ماده ۶ هم قانون، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی را در جرایم قابل گذشت، از جهات موقوفی تعقیب و موقوف اجرای مجازات دانسته است. ماده ۷۷۷ قانون مجازات اسلامی نیز با کمی تغییر، جرایم قابل گذشت تعریف نموده است.

۲. اصل از اصل، مهرداد، بزه‌دیده در فرایند کیفری، تهران، خط سوم، ج ۱، ۱۳۸۱، ص ۳۵.

خصوصی، بزه دیده نیز هست، اما هر بزه دیده‌ای، شاکی خصوصی نخواهد بود.^۱ به نفع می‌رسد چنین تحلیلی در جبران خسارت بزه دیده و خانواده او که به طور غیرمستقیم از ج آسیب دیده‌اند، مفید خواهد بود.

اسناد بین‌المللی نیز بزه دیده را تعریف کرده است؛ سازمان ملل متحد در یازده دسامبر ۱۹۸۵ این تعریف را از بزه دیده ارائه داد: «بزه دیدگان کسانی هستند که به ط فردی یا گروهی متحمل خسارت شده‌اند. این خسارت به ویژه در زمینه‌های مربوط به آسیب به تمامیت جسمی و روانی، رنج روحی، خسارت مادی و وارد شدن لطمه بزرگی به حقوق انسانی افراد می‌باشد. این خسارت ناشی از افعال یا ترک افعالی است که قوانین جزایی یک دولت را نقض می‌کند و نشان‌دهنده تخلف از مقررات حقوقی است که در زمینه حقوق بشر برای بزه دیدگان جرایم از یک سو و برای سوءاستفاده کنندگان از قدرت از طرف دیگر، در سطح بین‌المللی شناخته شده است».

اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت بزه دیده را شخصی می‌داند «که به دنبال رخداد جرم، به شکل فردی یا گروهی به آسیب بدنی یا روانی، درد و رنج عاطفی، زیان اقتصادی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده است».

از ویژگی‌های این تعریف، به کار بردن واژه «شخص»^۲ است که توجه به شخص حقوقی در کنار شخص حقیقی را به عنوان بزه دیده، محقق می‌سازد. با این تعریف نهادها، مؤسسه‌ها و شرکت‌ها اعم از دولتی و غیردولتی می‌توانند بزه دیده محسوب شوند. این توجه از آن جهت که امروز جرایم علیه اشخاص حقوقی نیز رو به افزایش است،

۱. برخی جرایم دارای بزه دیده اعتباری است و به تعبیر دیگر فاقد بزه دیده است. به عنوان مثال در جرایم قاچاق مواد مخدر، معتاد خود به استقبال مواد مخدر می‌رود. پس بزه دیده اعتباری است. یا در جعل اسکناس، بزه دیده اعتباری، خزانه عمومی و اعتبار دولت است که با کاهش اعتماد عمومی نسبت به اسکناس‌های منتشر شده توسط این مرجع، متضرر شده است. به عبارت دیگر «جرایم بدون بزه دیده جرایمی هستند که دارای یک مجنی علیه ملموس، واقعی و مادی نیستند. به عنوان مثال در زنا طبق قانون ما بزه دیده، نهاد خانواده، وفاداری و عفت عمومی است» (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم‌شناسی (کارشناسی ارشد)، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۷۸-۱۳۷۹، ص ۴۱۵).

قابل توجه می‌باشد.^۱

قطعنامه اصول پایه در به‌کارگیری برنامه‌های عدالت ترمیمی در قلمرو کیفری^۲ (۲۰۰۲ میلادی) نیز به طور تلویحی به تعریف بزه‌دیده پرداخته است. مطابق اصل چهارم این قطعنامه، بزه‌دیده، بزه‌کار و افراد دیگر یا اعضای جامعه محلی، تحت تأثیر بزه در فرایند عدالت ترمیمی قرار می‌گیرند و بنابراین حق ورود به فرایند عدالت ترمیمی را پیدا می‌نمایند.

توجه به بزه‌دیده، علم «بزه‌دیده‌شناسی»^۳ را که رشته‌ای نوین در جرم‌شناسی است ایجاد کرده است. بزه‌دیده‌شناسی «بررسی ویژگی‌های شخصیتی، زیستی و اخلاقی بزه‌دیده را مدنظر دارد و به ویژه روابط وی با بزه‌کار و نقش و سهم قربانی جرم را در تکوین واقعه مجرمانه، مورد توجه قرار می‌دهد تا بدین ترتیب از دیدگاه حقوقی، امکان تعیین مسئولیت کیفری بزه‌کار را از نظر عینی فراهم نماید».^۴ بزه‌دیده‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از دانش جرم‌شناسی، با انتشار کتاب بزه‌کار و قربانی / اثر هانس فن هنتینگ^۵ به وجود آمد. بزه‌دیده‌شناسی علمی که از نظر تاریخی قدمت بیشتری دارد و به همین جهت به بزه‌دیده‌شناسی نخستین شهرت دارد، به مطالعه ویژگی‌ها و نقش بزه‌دیده در تکوین جرم و همچنین رابطه قربانی با مجرم می‌پردازد. بنابراین رشته بزه‌دیده‌شناسی در آغاز نوعی جرم‌شناسی علت‌شناختی بود که به نقش بزه‌دیده در ارتکاب جرم می‌پرداخت. در بزه‌دیده‌شناسی حمایتی یا عقیدتی یا به تعبیر عده‌ای «سیاسی»^۶ معنی صرف نظر از اینکه در ارتکاب جرم نقش داشته است یا خیر، باید مورد حمایت قرار گیرد. در این دیدگاه

۱. «بزه‌دیده واقع شدن مؤسسات خصوصی در کشورهای صنعتی غربی از سال ۱۹۶۰ قویاً افزایش یافته و بخش بازرگانی خصوصی مثل فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای، بیشتر آماج جرم می‌شوند» (نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی - کنترل و واکنش اجتماعی*، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع)، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۱۳۸۰-۱۳۸۱، ص ۷۱۲).

2. Basic Principles on the Use of Restorative Justice Programmes in Criminal Matters, The Economic and Social Council, General Assembly Resolution. 12/2002.

3. Victimology

۴. آشوری، محمد، *عدالت کیفری (مجموعه مقالات)*، تهران، گنج دانش، ج ۱، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸.

5. Hans Von Henting

۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس سیاست جنایی - جرم‌شناسی سیاست جنایی و تکنیک‌های حقوق کیفری*، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، نیم‌سال اول سال تحصیلی

جامعه نیز مکلف است از قربانیان جرم حمایت کند، زیرا خود در رخداد جرم مؤثر بوده است و به طور ضمنی تعهد خود را نسبت به بزه دیده در ایجاد امنیت، نقض کرده است. رویکرد حمایتی به بزه دیده شناسی به طور غیرمستقیم در جهت پیشگیری بزهکاری است. اینکه بزه دیده به چه حمایت‌هایی نیاز دارد و این حمایت‌ها تا چه می‌تواند از بزه دیدگی مجدد او پیشگیری نماید، رویکرد پیشگیری از جرم را در گرایش، وضوح می‌دهد. نکته دیگر اینکه، این حمایت‌ها گاه برای پیشگیری از بزهکاری بزه دیده است؛ زیرا رها کردن بزه دیده بدون حمایت، تمایل به اجرای عدالت به گشای شخصی را در او برمی‌انگیزد.

۵. حقوق شناخته شده برای بزه دیده

حقوق بزه دیده را به طرق مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند. حقوق انسانی در مقابل حقوق مادی، یکی از انواع طبقه‌بندی است و برخی حقوق معنوی را در مقابل حقوق مادی قرار داده‌اند که با تعبیری همان تقسیم‌بندی نوع اول است. به موازات این تقسیم‌بندی حمایت‌های ضروری از بزه دیده نیز دسته‌بندی شده است که در قالب جبران خسارت مادی و معنوی قابل بحث می‌باشد.

۱. حقوق مادی: حقوق مادی در ارتباط با حمایت مادی بزه دیده است و در دو حیطه جسمی و روانی قابل بحث می‌باشد. آنچه به ترمیم آسیب‌ها و خسارت‌های وارد به جسم و روح و روان بزه دیده منتهی می‌گردد، تحت عنوان جبران خسارت مطرح می‌گردد و در زمینه اقدام‌هایی به شرح زیر قابل اعمال است:

۱-۱ ترمیم و جبران خسارت: ترمیم، اشکال و ماهیت‌های مختلف دارد. از جمله ترمیم حقوقی، ترمیم نمادین یعنی مشخص کردن خطا و تقصیر متهم و احتمالاً کوتاه بزه دیده، ترمیم روانی، ترمیم اجتماعی که با همدلی و همراهی با بزه دیده محقق می‌شود. جبران خسارت مادی بزه دیده را هم دربر می‌گیرد. در تعریف خسارت مادی، دو بعد مادی و جانی و به دیگر سخن، مادی و معنوی مدنظر قرار گرفته است. «خسارتی که به یک شخص یا دارایی او وارد شده باشد»^۱ «زیانی که در نتیجه از بین رفتن اعیان، اموال

کاهش ارزش اموال، مالکیت معنوی و یا از بین رفتن منفعت و حق مشروع اشخاص به آنان می‌رسد و آسیب‌هایی که با صدمه زدن به سلامت و حیات شخص، زیان‌های مالی برای او به بار می‌آورد»^۱ هر یک با ذکر مصادیق ضرر مادی، تعریف آن را مد نظر قرار داده‌اند. در تعیین جایگاه خسارت جانی در حوزه مادی یا معنوی باید گفت آنچه تحت عنوان قطع امید از زندگی، درد و رنج و برهم خوردن تعادل، از صدمات جسمانی ناشی می‌شود، خسارت معنوی است که می‌تواند به ضرر مادی هم منتهی شود.

در حمایت از بزه‌دیده، فراهم کردن سازوکارهای جبران خسارت ضروری است و این سازوکارها باید به گونه‌ای تمهید شود که کلیه خسارت‌ها شامل استرداد مال، پرداخت وجه در قبال زیان وارده و پرداخت هزینه‌های ناشی از جرم را که به بزه‌دیده تحمیل شده است جبران نماید و خدمات باید به گونه‌ای باشد که منتهی به بازتوانی بزه‌دیده، اعاده حیثیت و تا حد ممکن اعاده وضع او به حال پیش از وقوع جرم شود. نحوه ترمیم خسارت از بزه‌دیده می‌تواند به دو شکل ترمیم عینی خسارت یا پرداخت نقدی باشد. در ترمیم عینی، وضع زیان‌دیده به حالت قبل از ارتکاب جرم بازمی‌گردد و این نوع ترمیم که طبیعی‌ترین روش جبران است، از مطلوبیت بیشتری برخوردار می‌باشد. در پرداخت نقدی، خسارت‌های مادی و معنوی به طور مشابه موضوع جبران قرار می‌گیرند.

امروزه اصل بر مسئول بودن بزه‌کار به جبران خسارت است، اما گاه امکان جبران توسط بزه‌کار به طور کلی یا جزئی وجود ندارد. لذا در حقوق غالب کشورها، دولت نیز به عنوان مسئول جبران خسارت مورد پذیرش قرار گرفته است. اصول حاکم بر جبران خسارت توسط دولت شامل «اصل استثنایی بودن جبران خسارت از بزه‌دیده بی‌گناه» است. مبنای مسئولیت دولت در جبران خسارت را به تفاوت دولت از دیگر اشخاص بازگردانده‌اند. دولت یک شخص عادی نیست که بتوان به صرف عدم دخالت او در ارتکاب جرم، وی را از مسئولیت مبری کرد، بلکه او نماینده مردم و عهده‌دار امور جامعه

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی - ضمان قهری و مسئولیت مدنی، دانشگاه تهران، ج ۱، ۱۳۶۹، ج

ص ۱۴۳.

۲. شاهچراغ، سیدحمید، مطالعه تطبیقی مسئولیت دولت در جبران خسارت بزه‌دیدگان در حقوق ایران انگلیس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۸۵.

ص ۷۰.

است.^۱ ملاحظات سیاسی نیز بر لزوم جبران خسارت بزه‌دیده توسط دولت تأکید دارد. هزینه‌های ناشی از بدون جبران ماندن خسارت بزه‌دیدگان و بروز احساس بی‌عدالتی و عدم امنیت در میان آنان را برای دولت مدنظر قرار می‌دهد.

۱-۲. مساعدت در رفع آثار ناشی از جرم: بحران ناشی از جرم بلافاصله پس از وقوع جرم شروع می‌شود و به مرور زمان تقلیل می‌یابد. لذا ارائه کمک‌های مادی شامل خدمات پزشکی، روان‌پزشکی و روان‌کاوی، به فوریت لازم است. این امر با توجه به اینکه ضعه حاصل از جرم بر بزه‌دیده و خانواده او می‌تواند آن‌ها را در موقعیتی ضعیف‌تر از بزه‌کار قرار دهد، ضرورت پیدا می‌کند و از بزه‌دیدگی مجدد بزه‌دیده و بستگان او پیشگیری می‌نماید. این مساعدت‌ها باید در دو حوزه مادی و معنوی باشد. مساعدت‌های روانی هدف پیشگیری از بزه‌دیدگی مجدد فرد و جلوگیری از انتقام ناشی از احساسات جریحه‌دار شده است. اعلامیه اصول پایه عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت، ضرورت چنین مساعدت‌هایی در مواد ۱۴ تا ۱۷ توصیه‌هایی را ارائه کرده است؛ ماده ۴ مقرر داشته است که بزه‌دیدگان باید در قالب ابزارهای حکومتی، داوطلبانه، اجتماع‌مدار بومی، از کمک‌های مادی، پزشکی، روان‌شناسانه و اجتماعی لازم برخوردار شوند. ماده ۶ نیز آموزش افسران پلیس، دست‌اندرکاران دادگستری و خدمات بهداشتی و اجتماعی سایر کارکنان مربوط را به منظور آگاهی و توجه به نیازهای بزه‌دیدگان ضروری دانسته است تا کمک‌رسانی مناسب و فوری به بزه‌دیدگان تضمین شود. این ماده به فوریت خدمات توجه کرده و طبق ماده ۱۷، براساس ماهیت و آسیب وارد شده در خدمت‌رسانی کمک به بزه‌دیدگان باید به کسانی که نیازهای ویژه‌ای دارند، مانند زنان، کودکان معلولین، بیشتر توجه شود؛ زیرا بزه‌دیدگان ناتوان، در پی درمان لطمه‌های ناشی از بزه‌دیدگی با موانع زیادی روبه‌رو می‌شوند.

تسکین رنج‌های روحی ناشی از جرم به منظور آرام ساختن حالت روحی نامتعادل بزه‌دیده و اضطراب ناشی از جرم نیز ضروری است. واکنش مناسب جامعه و دستگاه عدالت قضایی نسبت به بزه، تسریع در رسیدگی به جرم ارتكابی و به‌کارگیری سازوکارهای

۱. ر.ک: نجفی ابرندآبادی، علی حسین، *تقریرات درس جرم‌شناسی، بزهکاری زنان*، دوره کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، نیم‌سال اول سال تحصیلی ۱۳۸۳-۱۳۸۴، ص ۲۵.

مناسب به منظور پیشگیری از بروز بیماری‌های روحی - روانی ناشی از جرم، از جمله مساعدت‌های لازم به منظور تسکین این آثار است.

اطلاع‌رسانی به بزه‌دیده و آگاه‌سازی او در کلیه مراحل یک دادرسی کیفری، از زمره حقوق مادی بزه‌دیده است. آگاه‌سازی باید در تمامی زمینه‌ها، از جمله حقوق بزه‌دیده در فرایند دادرسی، صورت گیرد. برخورداری بزه‌دیده از معاضدت‌های قضایی، خدمات مشاوره حقوقی و مشاوره در سایر زمینه‌ها در این بخش از حمایت‌ها می‌گنجد. بند (الف) ماده ۶ قطعنامه اصول بنیادین عدالت، با توجه به ضرورت آگاه‌سازی بزه‌دیدگان از نقش و قلمرو خود، زمان‌بندی و جریان پیشرفت رسیدگی‌ها و وضعیت پرونده آنان به ویژه در جرایم شدید، از شیوه‌های قضایی و اجرایی در پاسخگویی به نیازهای بزه‌دیدگان استفاده نموده است.

۲. حقوق انسانی: این حقوق که متعلق به همه انسان‌هاست از ارزش ذاتی انسان سرچشمه می‌گیرد. به همین دلیل از ویژگی‌هایی برخوردار است که ناشی از ذاتی بودن آن است؛ از جمله اینکه این حقوق برای تمام انسان‌ها صرف‌نظر از سن، جنس، قومیت، نژاد، مذهب و غیره یکسان است و دیگر اینکه به لحاظ پایداری این ارزش، تحول و تغییر در حقوق انسانی قابل تصور نیست.

در تعریف حقوق انسانی گفته شده است این نوع حقوق شامل حقوقی است که همه افراد از نظر انسانیت دارای آن می‌باشند و ارتباطی به «نسبت، تابعیت، مذهب، رنگ و نژاد آنان ندارد. کمیت این حقوق به طرز فکر یک ملت و فرهنگ آنان بستگی دارد»^۱

حقوق طبیعی را در مقابل حقوق موضوعه، به معنای «فواعدی دانسته‌اند که برتر از اراده حکومت و غایت مطلوب انسان است»^۲. این گروه از حقوق در اسلام نیز مورد حمایت قرار گرفته است. از آن جمله می‌توان به اصل برابری (حجرات، ۱۳)، اصل کرامت انسان (بنی اسرائیل، ۷۰)، و اصل آزادی (ملک، ۴) اشاره کرد. اسناد بین‌المللی نیز بعضاً به حقوق اساسی بشر که همان حقوق انسانی است، اشاره کرده‌اند. منشور ملل متحد، احترام به

۱. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، ج ۲، ۱۳۸۱، ج ۲.

ص ۱۷۲.

۲. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ج ۲، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۴۴.

شخصیت و حیثیت انسانی، تساوی حقوق میان زن و مرد و ایجاد شرایط لازم برای عدالت را به عنوان حقوق اساسی بشر اعلام می‌کند. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز اشاره به حقوق انسانی، ایمان به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسان را مبنای حمایت قرار می‌دهد.

مصادیق حقوق انسانی بزه‌دیده، شامل رعایت کرامت و ارزش انسانی، تأمین امنیت بزه‌دیده و حفاظت از او و برخورداری از دادرسی عادلانه است. رعایت کرامت و ارزش انسانی در کلیه مراحل دادرسی، قبل از دادرسی و پس از دادرسی، در مرحله اجرای حکم و حتی پس از آن، باید مورد توجه قرار گیرد. آنچه در مورد رعایت کرامت بزه‌دیده قابل توجه است، آسیب‌پذیری او ناشی از ارتکاب جرم است که به کارگیری تمهیدات بیشتر را به منظور رعایت حرمت شأن انسانی او ایجاب می‌نماید. رفتار بی‌طرفانه و رعایت اسرار بزه‌دیده نیز در جهت رعایت این حرمت است. عدم تبعیض بین انواع بزه‌دیدگان براساس نژاد، قومیت، جنسیت، زبان، مذهب و خواستگاه ملی و قومی و اجتماعی، از جهات رعایت کرامت انسانی است.

تأمین امنیت بزه‌دیده که با حفاظت از جسم، شخصیت، آبرو و زندگی خصوصی اجتماعی وی در مقابل آسیب احتمالی ناشی از بزه‌کار یا بستگان او صورت می‌گیرد، جزو حقوق انسانی است. در این راستا برقراری امنیت بزه‌دیده در مواجهه با متهم از دو جنبه صدمات مادی و معنوی و حفظ اسرار بزه‌دیده در ارتباط با جرم، باید مورد توجه قرار گیرد. در صورت لزوم و تا آنجا که ممکن است باید از رویارویی بزه‌دیده یا گواهان وی با متهم جلوگیری کرد و حین رویارویی از آنان محافظت نمود. البته گاه رویارویی این دو می‌تواند به اجرای بهتر برنامه‌های عدالت ترمیمی بینجامد. حفاظت از شهود بزه‌دیده و تأمین امنیت آنان در مراحل دادرسی به گونه‌ای که آثار آن به بعد نیز تسری یابد، در ذیل این عنوان یعنی تأمین امنیت بزه‌دیده قرار می‌گیرد. حفظ اسرار بزه‌دیده نیز از حقوق انسانی است که در جهت تأمین امنیت وی صورت می‌گیرد.

برخورداری از دادرسی عادلانه و منصفانه با اصول لازم برای چنین دادرسی، از جمله اصل بی‌طرفی قاضی، اصل استقلال قاضی، اصل مستند و مستدل بودن رأی و غیره، از جمله اقدام‌هایی است که در زمره حقوق انسانی بزه‌دیده و همچنین بزه‌کار قرار می‌گیرد. برخورداری از یک دادرسی عادلانه به دو مقوله تقنینی و اجرایی وابسته است. تصویب و

وجود مقررات تأمین‌کننده یک دادرسی عادلانه که در جهت به رسمیت شناختن بزه‌دیده در فرایند کیفری، تأمین امنیت او، حفاظت از وی در برابر متهم و نقش دادن به بزه‌دیده در پیگرد یا موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات باشد، ضروری است.^۱

اجرای مناسب قوانین نیز لازم است، و صرف وجود قانونی مناسب بدون توجه به مجریان خوب برای آن نمی‌تواند کارساز باشد. رفتار دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری باید با توجه به قانون، استفاده از راهکارهای قانونی و توجه به عواطف و خواسته‌های بزه‌دیده باشد.

امروزه در کشورها حمایت از بزه‌دیده در دو فرایند رسمی و غیررسمی صورت می‌گیرد. «در برخی کشورها از جمله انگلستان، حمایت رسمی تنها راهکار حمایت از بزه‌دیده است»^۲، اما نوع دیگر حمایت از بزه‌دیده، حمایت غیررسمی، مشارکتی یا جامعوی است که خارج از نظام کیفری و توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی غیر از دولت صورت می‌گیرد.

۶. حقوق کیفری بین‌المللی

شاید بتوان گفت حقوق کیفری بین‌المللی با نظریه‌های هنری دندیوداوبر^۳ متولد شد. وی در کتابی تحت عنوان اصول جدید حقوق کیفری بین‌المللی که در سال ۱۹۳۸ به چاپ رسید، به نظم دادن این علم جدید همت گماشت. از پیروان وی در این عرصه می‌توان به گلازر^۴ و کلود لومبوا^۵ (هر دو) فرانسوی اشاره کرد که با کتب خود، حقوق کیفری بین‌المللی را وضوح دادند. برخی^۶ حقوق جزای بین‌المللی به معنای اخص را وقتی محقق می‌دانند که عامل خارجی ایجادکننده آن، مربوط به روابط میان افراد خصوصی است و معتقدند چنانچه عامل خارجی با روابط میان کشورها مرتبط باشد، «حقوق بین‌الملل جزا» نامیده می‌شود.

۱. ر.ک: ابراهیمی، پیمان، «بزه‌دیده به منزله شاکی و حقوق او در مقررات دادرسی کیفری ایران»، مجله حقوقی دادگستری، تهران، روزنامه رسمی، ش ۵۳۵۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۴، ص ۳۰۰.

۲. دبستانی کرمائی، پوپک، حمایت از بزه‌دیده در نظام کیفری انگلستان و ویلز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۶، ص ۹.

۳. Henri Donnedieu de Vabre

۴. Glaser

۵. Claude Lombois

۶. افراسیابی، محمد اسماعیل، حقوق جزای عمومی، ص ۲۱۰.

برخی حقوق دانان^۱ معتقدند اصطلاح «حقوق بین الملل کیفری» حاکی از تعارض دارای ابهام است و در توجیه این نظر با اشاره به نظم عمومی اظهار می دارند: حقوق کیفری قوی ترین ضامن حفظ نظم عمومی است و نظم عمومی انعکاسی از حوایج اجتماعی است که هر دولت حکمران براساس نظر خود، آن را تعبیر می کند. جنبه ملی این حقوق بین المللی است و وجود حقوقی که هم کیفری و هم بین المللی باشد، متضمن نظم عمومی بین المللی است و این در حالی است که وجود نظم های عمومی ملی، خواه ناخواه، تعارض قواعد نظم حقوقی بین المللی را با قواعد نظم های عمومی ملی که هر دولتی حمایت از را با قانون کیفری به عهده دارد، به میان می آورد.

با این توضیح، جامعه بین المللی متشکل از دولت ها خود دارای نظم عمومی است این نظم عمومی عبارت است از «مجموعه قواعد آمرانه ای که حراست و هم زیستی منافع دولت های حکمران بدان وابسته است و هدف آن تقلیل خصایص کیفری ملی نیست، بلکه هماهنگ کردن قواعد این خصایص است و هر چه ناقض این نظم عمومی بین المللی باشد جرم بین المللی نامیده می شود».^۲

عده ای دیگر^۳ حق کیفر دادن توسط یک مرجع بین المللی را مرتبط با بسط و توسعه اندیشه حمایت از حقوق بشر می دانند، و رهیافت سنتی حقوق بین المللی را که متکی بر حاکمیت دولت ها بوده است، به دیدگاه مبتنی بر حقوق بشر تغییر داده اند، و رأی مور دوم اکتبر ۱۹۹۵ دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق را مؤید این تحول می دانند. در رأی فوق تأکید شده است که «رهیافت حاکمیت محور، به تدریج جای خود به رهیافتی مبتنی بر حقوق بشر داده است». از نظر دادگاه یوگسلاوی نتیجه شمول این قاعده بر حقوق بین المللی بشردوستانه آن است که تفکیک بین گونه های مختلف مخاصمان مسلحانه، از ارزش و اعتبار می افتد. زیرا این تفکیک بنا بر ملاحظه، حاکمیت دولت ها بر مخاصمان بین المللی و مخاصمان داخلی برقرار شده و با تفوق اندیشه انسان مدار بر تفکر حاکمیت محور، چندان جای استناد ندارد.

۱. حسینی نژاد، حسینی، حقوق کیفری بین المللی، تهران، میزان، چ ۱، ۱۳۷۳، ص ۲۰.

۲. همان، ص ۲۰.

۳. ممتاز، جمشید و امیر حسین رنجبریان، حقوق بین الملل بشردوستانه و مخاصمان مسلحانه داخلی، تهران میزان، چ ۱، ۱۳۸۴، ص ۵۸.

برخی^۱ ایجاد حقوق کیفری بین‌المللی و توسعه و تقویت آن را با هدف تنبیه و کیفر عاملان نقض حقوق بین‌المللی، انقلابی واقعی در عرصه بین‌المللی می‌دانند که برای تضمین اجرای حقوق بین‌المللی از طریق شناسایی مسئولیت کیفری ناقضان این حقوق و محاکمه و مجازات آنان حرکت می‌کند، اما پابندی دولت‌ها به حاکمیت در قلمرو خاص خود را یکی از مشکلات و موانع موفقیت حقوق کیفری بین‌المللی به شمار می‌آورند.^۲ مشکل آن است که حقوق بین‌المللی از جمله حقوق کیفری بین‌المللی، دارای پلیس و مأمور اجرایی نمی‌باشد و دادگاه‌های بین‌المللی اصولاً نمی‌توانند کسی را برای زیر پا نهادن نظم بین‌المللی مجازات کنند. از سوی دیگر، دولت‌ها وقتی قواعد حقوق بین‌المللی را که به صورت عرف درآمده است، اجرا می‌کنند که آن را مخالف با قانون اساسی یا دیگر قوانین داخلی خود نبینند.

معمولاً حقوق کیفری را ناشی از دو اصل متضاد: اصل حمایت و اصل کلیت یا جهانی بودن، می‌دانند.^۳ مطابق اصل حمایت مصالح یک جامعه چنان اختصاصی بدان جامعه دارد که حقوق کیفری جامعه دیگر نمی‌تواند به خوبی حافظ آن باشد و مطابق اصل جهانی بودن، مصالح جوامع با یکدیگر ارتباط دارند و هر جامعه با دفاع از جوامع دیگر، از خود نیز دفاع می‌کند.

۱. رنجبریان، امیرحسین، «قانون ۱۹۹۳-۱۹۹۹ بلژیک، رأی ۱۴ فوریه ۲۰۰۱ دیوان بین‌المللی دادگستری، صلاحیت کیفری جهانی در بوته آزمون»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۵۸، زمستان ۱۳۸۱، ص ۱۱۱.

۲. به عنوان مثال می‌توان به عدم استرداد متهمان اصلی جنایات علیه بشریت و خشونت‌های جنسی علیه زنان در جنگ بین صرب‌ها و مسلمانان از سوی دولت یوگسلاوی اشاره کرد (ر.ک: میرمحمد صادقی حسین، «حقوق کیفری بین‌الملل و خشونت علیه زنان»، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، تهران، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ش ۱۷-۱۸، بهار و تابستان ۱۳۷۹، ص ۹۹). همچنین اعتراض برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، در مورد تأسیس دادگاه کیفری بین‌المللی و صلاحیت آن به نگرانی از محدود شدن حاکمیت داخلی خود، مؤید این برداشت است (ر.ک: کریر، رابرت و ینجلا دی وایت، «شورای امنیت و دادگاه کیفری بین‌المللی»، ترجمه فرید محسنی و علی قاسمی، فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، تهران، دانشکده علوم قضایی و خدمات اداری، ش ۳۴-۳۵، بهار و تابستان ۱۳۸۴، ص ۷۴-۱۱۳).

۳. حسینی‌نژاد، حسینقلی، حقوق کیفری بین‌الملل اسلامی، تهران، میزان، ج ۳، ۱۳۸۳، ص ۷.

اصل صلاحیت جهانی که هماهنگ شدن کلیه دولت‌ها یا تعدادی از آنان را در کیفر رساندن مجرم توصیه می‌نماید، به قاضی متبوع یک دولت نیز صلاحیت جهانی بر تعیین مجازات مجرم می‌دهد و با این اصل می‌توان حکم صادره از یک دادگاه کیفر بین‌المللی را به رسمیت شناخت و اجرا کرد.

اصطلاح حقوق کیفری بین‌المللی در سه معنا به کار برده شده است:^۱ در یک تعریف بر جنبه بین‌المللی حقوق داخلی تأکید شده است، و منظور از حقوق جزای بین‌الملل را نحوه برخورد دادگاه‌های داخلی یک کشور با دعاوی که مشتمل بر یک عنصر خارجی است، می‌دانند؛ و این در واقع همان چیزی است که بحث تعارض قوانین را در حقوق بین‌الملل خصوصی ایجاد می‌کند. تعریف دیگر از جنبه‌های جزایی حقوق بین‌الملل اخذ شده است؛ و در این تعریف حقوق جزای بین‌المللی، آن دسته از اصول و قواعد حقوق بین‌الملل است که الزاماتی را در مورد محتوای حقوق جزای داخلی دولت‌ها برای آن‌ها ایجاد می‌کند. به عنوان مثال آن‌ها را به رعایت موازین حقوق بشر در قوانین جزایی خود، مجازات برخی جرایم دارای خصیصه بین‌المللی، ملزم می‌نماید. معنای سوم حقوق جزای بین‌الملل که مورد نظر ما نیز است، چیزی است که یک دادگاه کیفری بین‌المللی در صورت ایجاد شدن، باید آن را اجرا نماید.

تعریف سوم از حقوق جزای بین‌المللی، مورد مناقشه است و علت، تداخل آن با حق حاکمیت دولت‌هاست. شوارزنبرگر^۲ حقوق‌دان دهه‌های پنجاه و شصت، تحت تأثیر تئوری امری حقوق که در سال ۱۸۳۲ توسط آستین^۳ تشریح شده، معتقد است آنچه تحت عنوان حقوق جزای بین‌المللی مورد توصیف قرار می‌گیرد، در واقع همان حقوق جزای داخلی است که در آن یک عنصر خارجی یافت می‌شود. به عنوان مثال، حقوق داخلی است که میزان صلاحیت دولت در مورد جرایم ارتکاب‌یافته در خارج از مرزهای آن مثل دزدی دریایی و جرایم جنگی^۴ را تعیین می‌کند. در همین راستا، فیلیپ مالری^۵ استاد دانشکده حقوق پاریس بر این عقیده است که زندگی بین‌المللی ظاهراً جنبه‌ای خاص به جرایم

۱. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌الملل (مجموعه مقالات)، تهران، میزان، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۱۹.

2. Schwarzenberger

3. Austin

۴. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌المللی، ص ۲۰.

5. Philippe Malaurie

بین‌المللی نداده است، بلکه مرتکبان این جرایم کم یا بیش رفتاری مشابه رفتار بزه‌کاری دارند که فعالیت مجرمانه خود را درون مرزهای کشور خود محدود می‌کنند.^۱ به اعتقاد شوارزنبرگر، جامعه بین‌المللی فاقد یک قدرت عمومی برای اجرای قانون علیه دولت‌هاست؛ زیرا همه دولت‌ها از حق حاکمیت مساوی برخوردارند و با این وصف جامعه بین‌المللی یکی از شرایط اصلی را که حقوق جزا باید بر آن مبتنی باشد، ندارد.^۲

در مقابل عده‌ای معتقد به وجود حقوق کیفری بین‌المللی هستند. پروفیسور لوتر پاخت^۳ در این خصوص چنین می‌گوید: «نمی‌توان ادعا کرد که اشخاص با گردهم آمدن به عنوان یک دولت و در نتیجه بیشتر کردن امکانات و استعدادهایی که برای ارتکاب اعمال خلاف دارند، بتوانند برای خود مصونیتی در قبال مسئولیت کیفری و پیامدهای آن ایجاد کنند که هرگاه به تنهایی عمل می‌کردند، از آن مصونیت برخوردار نبودند».^۴

بنابراین، ترکیب جمعی دولت، نافی حقوق کیفری بین‌المللی نیست.

۷. ضرورت حقوق کیفری بین‌المللی

علی‌رغم نظریه‌های مطرح شده در خصوص حقوق کیفری بین‌المللی، امروزه به دلایلی حاکمیت چنین حقوقی بر جامعه بین‌المللی، ضروری به نظر می‌رسد:

۱. توسعه ارتباط میان دولت‌ها و ملت‌ها در جهان کنونی به لحاظ فناوری‌های نوین اطلاعاتی و پیشرفت‌های صنعتی، بحث دهکده جهانی را نه صرفاً به عنوان یک آرزوی بشری، بلکه به عنوان واقعیتی مبهم که هر روز وضوح بیشتری می‌یابد، ایجاد می‌کند. تشکیل چنین دهکده‌ای، ضرورت حاکمیتی فراتر از قدرت داخلی دولت‌ها، بر عرصه باید‌ها و نبایدهای داخلی و بین‌المللی را روشن می‌سازد و این قدرت در حقوق کیفری بین‌المللی و با تشکیل دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، موجودیت می‌یابد.
۲. تحول ماهیت جرایم با توجه به ارتباط‌های جهانی موجب گردیده است، ارتکاب برخی جرایم با شیوه‌هایی متفاوت از آنچه که قبلاً بوده است، میسر گردد. امروزه جرایم

۱. به نقل از: حسینی‌نژاد، حقوق کیفری بین‌المللی، ص ۱۷ و ۱۸.

۲. میرمحمدصادقی، همان، ص ۲۱.

مربوط به مواد مخدر صرفاً مربوط به یک کشور نیست، بلکه سازمان‌یافتگی این جرایم در گیرشدن دول و ملل متعددی را به دنبال دارد. همچنین است مباحث مربوط به بزهکار اقتصادی، پول‌شویی، فساد اداری، رشوه، قاچاق انسان و غیره.^۱ ارتباط یک جرم با چند کشور ایجاب می‌کند از یک سو نحوه سازماندهی تعقیب این گونه جرایم و اعطای صلاحیت به دادگاه‌های ملی برای رسیدگی به آن جرایم، تابع اصولی باشد که در رشته‌ای حقوق به نام حقوق کیفری بین‌المللی مورد بحث قرار گیرد^۲ و از سوی دیگر، دولت‌ها را تشکیل دادگاه‌هایی با صلاحیت عام متمایل می‌سازد.

۳. با وقوع منازعات، مخاصمات مسلحانه و جنگ‌ها در قرن بیستم که دو جنگ جهانی مهم‌ترین نمونه‌های آن هستند، نیاز به اصول و حقوق فراگیر و مرجع با اقتداری که بتواند فراتر از اقتدار دولت‌ها، بسبب به تعقیب و محاکمه جنایتکاران جنگی اقدام نماید احساس گردید. تعقیب این گونه جنایتکاران که قوانین بشریت را نقض نموده‌اند «بایا براساس اصول حقوق ملل ناشی از عرف تثبیت شده بین ملل متمدن یا قوانین بشری وجدان عمومی صورت می‌گرفت»^۳ دخالت جامعه بین‌المللی در تعقیب و مجازات چنین جرایمی، امکان فرار مرتکب را محدود می‌سازد و در ضرورت این دخالت گفته شده است «تعرض به وجدان عمومی کل بشریت ایجاب می‌نماید که این جنایات را جرایم حقوق بین‌المللی بدانیم، زیرا احساس عدالت خواهی بشریت را خدشه‌دار می‌کند».^۴ با این وصف

۱. این واقعیت موجب خلق اصطلاح «بزهکاری بین‌المللی» گردیده که علی‌رغم قبیح بودن خود، موجب پیوند دولت‌ها شده است و تشکیل سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (اینترپول) با توجه به ضرورت مبارزه فراملی با چنین جرایمی، صورت گرفته است (ر.ک: بوسار، آندرو، بزهکاری بین‌المللی، ترجمه نگار درخشانی، تهران، گنج دانش، ج ۱، ۱۳۷۵، ص ۱-۳). و باز به همین دلیل است که دول اروپایی تحت تأثیر هم‌زمان بازار (اقتصاد) و حقوق بشر، درصدد تدوین حقوق جزای مشترکی هستند (ر.ک: دلماس مارتی، می‌ری، «به دنبال حقوق جزای مشترک اروپایی»، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، مجله حقوقی، تهران، دفتر خدمات حقوقی بین‌الملل، ش ۲۱، ۱۳۷۶، ص ۱۸۱-۲۱۱).
۲. خالقی، علی، «مقدمه‌ای بر مطالعه اصول حاکم بر صلاحیت کیفری در حقوق جزای بین‌الملل»، مجله پژوهش‌های حقوقی، تهران، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ش ۲، زمستان ۱۳۸۱، ص ۳۷.
۳. میرمحمد صادقی، حسین، حقوق جزای بین‌المللی، ص ۳۵.
۴. بیگزاده، ابراهیم، «دیوان بین‌المللی کیفری و حقوق بین‌الملل»، فصلنامه تخصصی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ش ۱۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۷۹.

مجرمانه بوده، با این فرض که شخص به غیرقانونی بودن رفتار خود علم داشته است، به دنبال دارد. از قواعد نشئت گرفته از این اصل می توان به قاعده «عطف بماسبق نشدن قوانین جزایی» اشاره کرد. اعمال این اصل در حوزه بین المللی با برخی محدودیت ها روبه روست. از جمله آنکه «دادگاه یوگسلاوی سابق معتقد است اعمالی چون قتل عمدی، شکنجه، هتک ناموس به عنف و رفتارهای غیرانسانی، مطابق اصول کلی مورد پذیرش در تمام نظام های حقوقی، جرم هستند و در این باب هیچ اختلاف نظری وجود ندارد، لذا آنان که مرتکب چنین اعمالی می گردند، نمی توانند برای خلاصی از تعقیب در پیشگاه یک دادگاه کیفری بین المللی، اصل قانونی بودن جرایم را سپر خویش سازند»^۱ علت این انعطاف آن است که حقوق کیفری بین المللی دارای قانون نیست و طرح دعوی کیفری در محضر یک دادگاه داخلی، منوط به وجود قانونی است که حین ارتکاب جرم جاری بوده و آن رفتار را جرم انگاری نموده است. اگر چه منشور نورمبرگ و اساسنامه دادگاه های موردی، به تعریف جرایم داخل در صلاحیت خود پرداخته اند، اما صلاحیت این دادگاه ها، به جرایم ارتكابی قبل از تصویب اسناد مذکور، تسری می یابد.

۴. انعطاف از اصل منع محاکمه مجدد: بیشتر مصادیق جرایم بین المللی که تاکنون در صلاحیت دادگاه های کیفری بین المللی قرار گرفته است، شامل نسل کشی، جنایات علیه بشریت و جنایات جنگی، رفتارهایی هستند که در حقوق داخلی تحت عناوین دیگر جرم انگاری شده اند. به عنوان مثال، برخی مصادیق نسل کشی عبارت است از قتل و ایراد صدمه شدید جسمی یا روانی که باید با قصد از میان بردن تمام یا بخشی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی صورت گیرد. این اعمال در حقوق داخلی تمامی کشورها جرم انگاری شده اند، اما رسیدگی به رفتار فرد تحت عنوان قتل عمد در حقوق داخلی، مانع از رسیدگی به همین عمل که با شرایط مربوط به جرم نسل کشی جمع شده است، در یک دادگاه کیفری بین المللی نیست. چنانچه مطابق بند (۲) ماده ۱۰ اساسنامه دادگاه یوگسلاوی سابق، عملی که به عنوان یک جرم عادی در دادگاه ملی مورد محاکمه و مجازات قرار گرفته است، قابل رسیدگی مجدد به عنوان یک جرم بین المللی در دادگاه یوگسلاوی است.

۵. اثر بین المللی احکام صادره از دادگاه های بین المللی: از آنجا که جامعه کیفری

بین‌المللی فاقد سرزمین و قوای حاکمیتی به منظور اجرای حکم است، لذا احکام صادر این دادگاه‌ها، دارای اثر بین‌المللی است. البته دولت‌ها برای این احکام «عملاً» بیشتر احترامی که برای احکام داخلی خود قائل‌اند، اعمال نمی‌کنند» که آن هم محدود به اعراض فرضی حکم خارجی در امور کیفری است. «اعتبار فرضی مانند معتبر شناختن حکم برائت عدم محاکمه مجدد»^۱.

۶. امکان کیفر دادن اشخاصی غیر از تابعان: تابعان حقوق بین‌المللی، دولت‌ها هستند و مسئولیت دولت‌ها به پاسخگویی در حقوق بین‌المللی، پذیرفته شده است. با این وصف فایده دادرسی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی مستلزم آن است که بتوان مسئولیت کیفر فردی برای اشخاص قائل شد و وصول به این فایده، نیازمند پذیرش امکان کیفر دادن اشخاص سوای از دولت‌ها در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است. این امر در اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است. از جمله می‌توان به ماده ۶ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق که رسیدگی به جنایات اشخاص حقیقی را در صلاحیت خود دانسته است، اشاره کرد.

۹. ضرورت بررسی موضوع

ناتوانی دادگاه‌های داخلی و حتی قصور و امتناع آن‌ها از رسیدگی قاطع به جنایات داخل در صلاحیت دادگاه کیفری بین‌المللی شامل جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و نسل‌کشی حرکت به سوی بین‌المللی شدن حقوق کیفری را ایجاب می‌نماید. از سوی دیگر، شناسایی بزه دیده به عنوان یکی از طرفین دعوی کیفری و یافته‌های علم بزه‌دیده‌شناسی، به ویژه شاخه حمایتی آن، تلاش در جهت یافتن راه‌حل‌های مناسب برای حمایت از بزه‌دیده را در دادرسی‌های کیفری توجیه می‌کند.

اهمیت جرایم موضوع صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، به ویژه دیوان دائمی کیفری بین‌المللی، ویژگی‌های متهمین این نوع جرایم که غالباً از گروه قدرتمند هستند و در سطوح بالای حاکمیت کشورها قرار دارند و این خصیصه که انجام این گونه جنایات به منظور حفظ قدرت حاکم بوده است، از یک سو و در مقابل، موقعیت ضعیف بزه‌دیدگان و

آثار سوء این جرایم بر آنان، اتخاذ تدابیر حمایتی از بزه‌دیده را ایجاب می‌نماید. همچنین شهود جنایات بین‌المللی که خصیصه جمعی بودن جنایات، آنان را نیز تحت تأثیر قرار داده و حداقل با مشاهده چنین جنایاتی، ترس از بزه‌دیدگی را تجربه کرده‌اند، باید مورد حمایت قرار گیرند. حمایت از شهود از آن جهت که بزه‌دیدگان جرایم داخل در صلاحیت دادگاه‌های بین‌المللی معمولاً در جایگاه شاهد نیز قرار می‌گیرند، توجه بیشتری می‌یابد.

دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت که در دهه‌های آخر قرن بیستم و اول قرن بیست‌ویکم تشکیل شده‌اند، سعی کرده‌اند در اساسنامه و آیین دادرسی و ادله خود به حقوق بزه‌دیده توجه نمایند و رویه‌های قضایی را با چنین حمایت‌هایی هم‌سو سازند. در این راستا از نقش و وظیفه دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان یک دادگاه دائمی با صلاحیتی بسیار فراتر از دادگاه‌های موقت نباید غافل بود.

دادگاه‌های کیفری موقت و دیوان کیفری بین‌المللی از جهات مختلف از جمله صلاحیت‌ها و تشکیلات، موضوع تالیف‌های کم‌وبیش زیادی قرار گرفته‌اند. حقوق متهم و حق دفاع او در این نوع دادرسی‌ها نیز بعضاً مورد توجه قرار گرفته است. از سوی دیگر، «بزه‌دیده» نیز در یک دهه اخیر مورد توجه حقوق‌دانان به ویژه جرم‌شناسان بوده است و شمار کتب، مقالات و پژوهش‌ها در این زمینه قابل توجه است. اما تلفیق این دو موضوع یعنی بزه‌دیده و دادرسی‌های کیفری بین‌المللی مغفول مانده، به گونه‌ای که می‌توان گفت حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری بین‌الملل تاکنون موضوع یک تألیف و پژوهش منسجم قرار نگرفته است.

بدیع و نو بودن موضوع و عدم وجود پیشینه تحقیق، یکی از امتیازات پژوهش است؛ زیرا علاوه بر اینکه پژوهشگر را در ابتدای راهی قرار می‌دهد که انگیزه برای پیمودن آن قوی است، او را از تأثیر نظرهای ارائه شده توسط دیگران محفوظ می‌دارد. وجود پیشینه تحقیق در یک موضوع اگرچه یاریگر پژوهشگر در پردازش ساختار کلی و روش انجام تحقیق است، اما می‌تواند وی را تحت تأثیر یافته‌ها و روش‌های قبلی قرار داده و ابتکار عمل را از او سلب نماید. بدیع بودن موضوع این پژوهش امتیازی بود که پژوهشگر را در شروع و ادامه کار راغب می‌گرداند، اما مشکل کمبود منابع اصلی به ویژه منابع ترجمه‌شده به زبان فارسی را نیز به دنبال داشت. به همین جهت بخش بزرگی از اساسنامه دادگاه یوگسلاوی، متن کامل آیین دادرسی و ادله این دادگاه، اساسنامه دادگاه سیرالئون و آیین دادرسی و ادله

آن تقریباً به طور کامل ترجمه شد. در تألیف مباحث مربوط به رویه قضایی، بیش دوپست دستور و تصمیم صادره از دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، رواندا سیرالئون از سایت‌های مختلف اینترنتی استخراج و ترجمه گردید. همچنین تعداد زیاد مقاله به زبان انگلیسی که در برخی قسمت‌ها به موضوع بزه‌دیده در این نوع دادگاه‌ها پرداخته بودند، مورد ملاحظه و بعضاً ترجمه قرار گرفت.

در این کتاب درصدد پاسخ دادن به سؤالهایی در رابطه با حقوق بزه‌دیده و رعایای آن در اساسنامه و اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت، رویه قضایی این دادگاه‌ها در جهت ارائه تفسیری مناسب از اسناد هستیم؛ و پاسخ به این سؤال که اساسنامه و به طور کلی اسناد دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت از جهت رعایت حقوق بزه‌دیده، با تحولات زمان در این موضوع، هماهنگ بوده است نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. همین سؤال‌ها در رابطه با اسناد دیوان کیفری بین‌المللی^۱ در رعایت حقوق بزه‌دیده در دادرسی‌های کیفری، حقوق شناخته‌شده برای بزه‌دیده در تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی مدنظر است و این سؤال نیز مطرح می‌گردد که آیا دیوان کیفری بین‌المللی، حقوق موجود و شناخته‌شده برای بزه‌دیده را هم‌زمان با تشکیل خود، مورد توجه قرار داده است و بالاخره به پاسخ این سؤال پرداخته می‌شود که آیا حقوق شناخته‌شده برای بزه‌دیده در اسناد دیوان کیفری بین‌المللی برای حمایت از قربانیان جنایات مهم داخل در صلاحیت این دادگاه بین‌المللی، کافی است.

با توجه به ضرورت انجام پژوهش، کاربردهای آن را باید در دو بُعد داخلی و بین‌المللی مورد توجه قرار داد. حرکت به سوی جهانی شدن حقوق کیفری ایجاب می‌نماید که جمهوری اسلامی ایران نیز با این حرکت همراه شود. تشکیل دادگاه کیفری بین‌المللی و پیوستن صدوهفت کشور جهان به این نهاد قضایی، این ضرورت را که جمهوری اسلامی ایران نیز چشم‌اندازهای الحاق یا عدم الحاق به آن را مدنظر قرار دهد، نمودار می‌سازد. انتخاب هر یک از دو راه الحاق یا عدم الحاق، برنامه‌ریزی داخلی را به ویژه در حوزه قوانین می‌طلبد و چه‌بسا عدم الحاق، تدوین و تصویب قوانین داخلی را ضرورت بیشتری دهد؛ زیرا ناتوانی دادگاه‌های ملی در انجام این وظیفه، دیوان کیفری بین‌المللی را وارد عرصه عمل می‌سازد و به این نهاد قابلیت پذیرش می‌دهد. از سوی دیگر، پیشرفت

اندیشه‌های حقوقی در حوزه بزه‌دیده در چند دهه اخیر، تغییر جهت قوانین را به دوسویه کردن نگاه قوانین با هدف حفظ حقوق هر دو طرف دعوی، ضرورت می‌دهد. انطباق یافته‌های علم بزه‌دیده‌شناسی حمایتی با اصول و قواعد خاص دادرسی‌های کیفری بین‌المللی و تعدیل این یافته‌ها به منظور انطباق آن‌ها با شدت، گستردگی و اهمیت جرایم داخل در صلاحیت دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، در روند قانون‌گذاری در این حوزه باید مدنظر قرار گیرد. بررسی اسناد مرتبط با دادرسی‌های کیفری بین‌المللی و رویه‌های به‌کار گرفته شده در این نوع دادگاه‌ها، می‌تواند راهنمای مقنن داخلی در تدوین قانون جرایم بین‌المللی با لحاظ نمودن انتظارات بین‌المللی باشد.

۱۰. ساختار و سازماندهی تحقیق

این کتاب با بررسی اسناد تشکیل‌دهنده دادگاه‌های کیفری و آرای صادره از این دادگاه‌ها، مطالب خود را در دو بخش ارائه می‌کند. بخش اول که به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موقت اختصاص دارد، در سه فصل به دادگاه‌های کیفری بین‌المللی که با پایان جنگ جهانی دوم تشکیل شد (دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو)، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا (دادگاه‌های موردی) و بالاخره دادگاه ویژه سیرالئون اختصاص یافته است و در هر فصل حقوق بزه‌دیده حسب مورد در اساسنامه، آیین دادرسی و ادله و همچنین آیین‌نامه‌های مربوط به این دادگاه‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد. علت بررسی دادگاه‌های یوگسلاوی سابق و رواندا در یک فصل، مشابهت زیاد این دو دادگاه به لحاظ فاصله زمانی کم در تشکیل این دو و برخورداری از آیین دادرسی و ادله یکسان است. در بحث رویه قضایی، به ویژه در خصوص دادگاه‌های یوگسلاوی سابق رواندا و دادگاه ویژه سیرالئون، تصمیمات و دستورهای صادره از این دادگاه‌ها از جهت رعایت حقوق بزه‌دیده بررسی می‌شود. فصل نخست از بخش نخست، در بررسی دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو، براساس حقوق دولت‌ها به عنوان بزه‌دیده و حقوق اشخاص خصوصی در جایگاه بزه‌دیده، تقسیم‌بندی شده است. در حالی که فصل دوم با موضوع دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا و همچنین فصل سوم با موضوع دادگاه ویژه سیرالئون، در دو مبحث، اسناد دادگاه و رویه قضایی، ارائه شده است. علت تفاوت آن است که دیوان‌های نظامی نورمبرگ و توکیو، به بزه‌دیده توجهی نداشته و صرفاً

به حقوق دولت‌های مؤسس این دیوان‌ها پرداخته‌اند، به گونه‌ای که می‌توان گفت دولت به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی که نظم آن با ارتکاب جنایات مختل گردیده است جایگاه بزه‌دیده قرار گرفته‌اند.

بخش دوم، به خلاف بخش نخست که پنج دادگاه کیفری بین‌المللی را موضوع بحث قرار داده، صرفاً به بررسی دیوان کیفری بین‌المللی به عنوان نهاد قضایی دائر اختصاص دارد و در دو فصل، انطباق اسناد دیوان با حقوق بزه‌دیده را در مراحل مختلف دادرسی، پیش از صدور حکم و پس از آن، مدنظر قرار می‌دهد. علت تفاوت سرفصل در بخش‌های اول و دوم آن است که تا زمان تدوین این کتاب پرونده‌ای در دیوان کیفری بین‌المللی تشکیل نشده و آرایه‌ای از سوی این دیوان صادر نگردیده است،^۱ لذا اختصاص فصلی در این بخش به رویه قضایی دیوان، فاقد موضوعیت بود.

۱. توضیح اینکه در چهاردهم ژوئای ۲۰۰۸ میلادی، دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی از شعبه مقدماتی دادگاه تقاضای صدور قرار بازداشت رئیس‌جمهور سودان، عمر حسن البشیر را نمود و این اولین پرونده تشکیل شده در دادرسی دیوان کیفری بین‌المللی است (ر.ک: www.oxfordjournals.org).